



پروژه‌های جهان متحد شوید!

مسائل بین‌المللی

۴

مهر-آبان
سال ۱۳۶۵

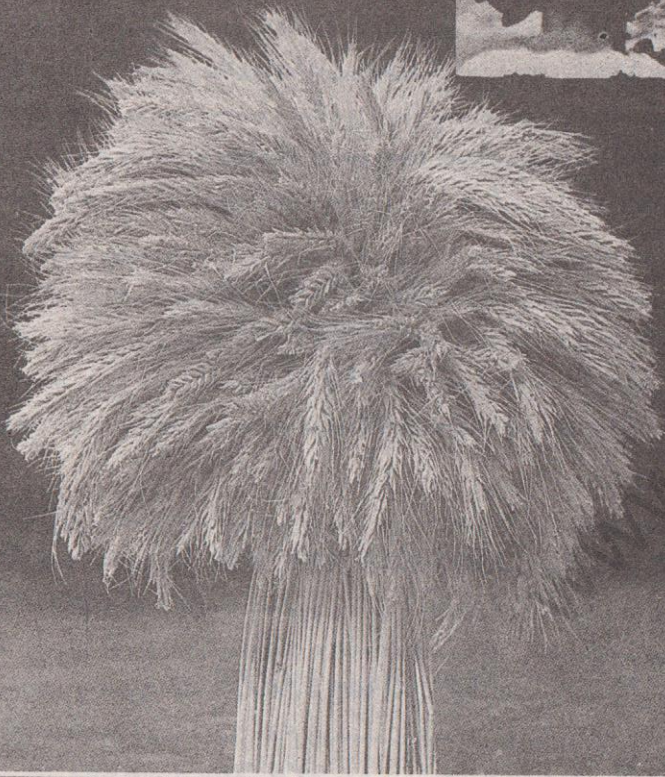
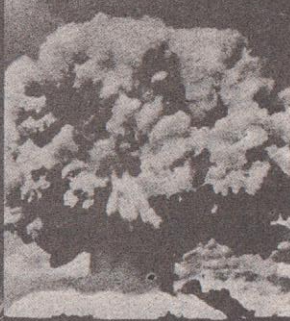


انتشارات حزب توده ایران

www.iranarchive.com

BROT statt tot

"Für Frieden und Humanismus, gegen die Gefahr eines Kernwaffenkrieges"



نان- آری! مرگ- نه! بوستر طرفداران صالح جمهوری دموکراتیک آلمان

an-archive.com

فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
—	تعرض صلح سوسیالیسم ادامه دارد	۳ - ۱۱
یورگن پنسن	نیروی محرکه هستگی انترناسیونالیستی	۱۲ - ۲۴
دن تلسوم	مانورهای پلید رژیم پرتوریا	۲۵ - ۳۵
—	برای اینکه زنان به نیروی خود اطمینان پیدا کنند	۳۶ - ۴۰
—	علیه تضییق و فشار و پیگرد : — قانون شکس قضائی در "واحه دموکراسی"	۴۱ - ۴۲
—	— به ترور در اردن پایان دهید	۴۳
اوین کرشنان سیمو پاته کی علی احمد الطیب	جنبش عدم تمسک از دهل تا هزاره	۴۴ - ۵۸
—	بگداز مرگ ما پیروزی رانزد پیکر کند	۵۹ - ۶۲
—	خبرهای کوتاه	۶۲ - ۶۳

تعرض صلح آمیز سوسیالیسم ادامه دارد

نیمه اول سال ۱۹۸۶، سال بین‌المللی صلح به پایان رسید. این نیمه سال با اعتلای مبارزات ضد جنگ در اروپای غربی، تشدید مقاومت علیه سیاست میلیتاریستی پنتاگون و کاخ سفید در ایالات متحده آمریکا و تحکیم مواضع جنبش‌های صلح‌دوست در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین مشخص و متمایز می‌شود. مبارزه خلقها در راه قطع مسابقه تسلیحاتی، خلع سلاح و جلوگیری از خطر بلیه هسته ای با تعرض صلح آمیز تازه و گسترده سوسیالیسم نیرو و توان بیشتری یافت زیرا سوسیالیسم که معتبرترین نیروی دوران معاصر است، قدرتی است که بدون اشتراك آن حل و فصل هیچک از مسائل بزرگی که در برابر جامعه بشری قرار دارد امکان پذیر نیست.

دفاع از صلح وظیفه بنیادی دوران ما است. عدم تداوم جستجوی راههای جلوگیری از خطر جنگ بمعنی بخطر انداختن سرنوشت تمام تمدن جامعه بشری است. در شرایط کنونی هیچ کشور جداگانه یا گروهی از کشورها نمیتوانند امنیت و سعادت خود را بر این پایه بنا کنند که بکمک نیروی نظامی اراده خود را بدیگر کشورها و خلقها تحمیل کنند. چنین سیاستی خواه آنرا "نفوگهایسم" بنامیم و خواه چیز دیگر فاقده رونما است. این سیاست برای جامعه بشری هلاکتبار است.

باتوجه بدین نکته، کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی گامهای بزرگی برداشتند تا خط مشی مثبتی را ادامه و بهسرفت دهند که در دیدار رهبران بلند پایه اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا در ژنو در نظر گرفته شد. م. س. گوپاچف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمنزله بیانگر اراده و خواست مشترک کشورهای برادر ۱۵ ژانویه سال جاری اعلامیه ای را ارائه داشت که حاوی برنامه گسترده مرحله به مرحله خلع سلاح هسته‌ای و همچنین تدابیر شرمشخند بگیری بمنظور سالمسازی محیط بین‌المللی بود، نتیجه همه آنها آزاد کردن شماره ۱ از سلاح هسته ای تا سال ۲۰۰۰ است. این برنامه با موافقت کامل بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و کنگره های سایر احزاب کمونیست و کارگری برادر رهرو شد و کمونیست های کشورهای گوناگون و مبارزان راه صلح و امنیت خلقها آنرا بمنزله برنامه خود تلقی

کردند. مردم جهان از متوقف ساختن آزمایش‌های هسته‌ای و طرح نابودی سلاح‌های شیمیایی از طرف اتحاد شوروی بطور جدی پشتیبانی کردند.

اینکه ابتکارات صلح سوسیالیسم با چنین استقبال گسترده‌ای روبرو میشود بهیچوجه تصادفی نیست. در پیشنهاد های کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی نظریات و خواسته‌های تمام کسانی که در جلوگیری از جنگ ذینفع هستند و از جمله کسانی هم که با اندیشه‌های کمونیستی موافقت ندارند، تمرکز یافته است. این تطابق برنامه‌های صلح سوسیالیسم با امیدها و آرزوهای خلقها در اسناد مصوب کنفرانس کمیته مشورتی سیاسی کشورهای عضو پیمان ورشو (ژوئن سال ۱۹۸۶) که در بوداپست تشکیل شد تمام و کمال نمایان گردید.

شخصیت‌های بلند پایه حزبی و دولتی شرکت کنند در دیدار بوداپست خط مشی سیاست خارجی را که بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و کنگره‌های سایر احزاب پرانده تهیه و تدوین کرده اند و در جهت تحکیم صلح، نابودی سلاح‌های اتمی و ایجاد سیستم جهانی امنیت بین‌المللی است کاملاً تأیید کردند. هم‌آهنگی هرچه بیشتر مواضع و گام‌های پراتیک کشورهای عضو پیمان ورشو در جهت عده سیاست کنونی آنها از نتایج مهم کنفرانس بود. این سیاست در پیشنهاد های مشخصی که در اعلامیه کنفرانس قید شده و در سندی که خطاب به کشورهای ناتو و تمام کشورهای اروپایی به تصویب رسیده بازتاب یافته است.

خطوط اساسی این پیشنهادات کدام است ؟

مقدم بر هر چیز باید جامع بودن برنامه پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی در روی زمین، جلوگیری از کشاندن شدن آن به فضای کیهانی و خلع سلاح را یادآور شویم که شرکت کنندگان در پیمان ورشو مطرح کرده اند. آنها تمام کشورها را فراخوانده اند تا برای دست یافتن به خیر و صلاح مشترک با هم تشریک مساعی نمایند. چه اقدامی در حال حاضر ضروری است ؟ پاسخ سوسیالیسم چنین است :

— آزمایش‌های هسته‌ای قطع شود. این گام بزرگ سهل‌الوصولی در راه خلع سلاح هسته‌ای است و مانعی در راه تکمیل سلاح هسته‌ای و ایجاد انواع تازه آن میباشد. راه حل این مسئله متوقف ساختن انفجارهای هسته‌ای از طرف اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا و آغاز فوری مذاکرات مربوط به قدغن ساختن کامل آزمایش‌های هسته‌ای با کنترل اکتداست.

— کوشش برای نابودی کامل موشک‌های با برد متوسط شوروی و آمریکا در منطقه اروپا با در نظر گرفتن اینکه انگلستان و فرانسه این قبیل تسلیحات هسته‌ای خود را افزایش ندهند و

ایالات متحده آمریکا موشک‌های استراتژیک و با برد متوسط خود را به دیگر کشورها ندهند. در صورت از بین بردن کامل موشک‌های با برد متوسط آمریکا در اروپا موشک‌های تاکتیکی دور برد شوروی هم که در جمهوری دموکراتیک آلمان و چکسلواکی مستقر گردیده از محل خارج خواهند شد :

— در مذاکرات شوروی و آمریکا درباره تسلیحات هسته‌ای و ویژه فضای کیهانی باید به توافق‌های مشخصی رسید که منافع هر دو طرف و تمام کشورهای دیگر در آنها منظور شده باشد. کشورهای عضو پیمان ورشو طرفداری خود را از قراردادها و موافقت‌نامه‌های موجود در این عرصه تأیید کردند و از ایالات متحده آمریکا خواستند توافق مربوط به محدود ساختن تسلیحات استراتژیک را اکتداً مراعات کند :

— باید در همین سده کنونی نوع دیگری از سلاح نابودی جمعی را هم که سلاح شیمیایی است و همچنین پایگاه‌های تهیه آنرا نیز از بین برد. کشورهای عضو پیمان ورشو کشورهای ناتو را به صرف نظر کردن از تولید سلاح بویژه خطرناک ببنار که از انواع سلاح‌های شیمیایی است فراخوانند.

کشورهای عضو پیمان ورشو با توجه باینکه کاهش سطح رویارویی نظامی در اروپا به‌کسی از جهات تعیین کننده سرنوشت مبارزه در راه جلوگیری از خطر جنگ است پیشنهاد کردند تصام اجزاء نیروهای زمینی و هوایی ضربه‌تاکتیکی کشورهای اروپایی و همچنین این قبیل نیروها و وسائل ایالات متحده آمریکا و کانادا که در قاره‌های کهن استقرار یافته اند بطور محسوس کاهش داده شود. در ضمن بموازات کاهش تسلیحات معمولی تسلیحات هسته‌ای ویژه عرصه عملیاتی — تاکتیکی با شعاع عمل تا هزار کیلومتر هم مشمول کاهش میشوند. این پیشنهادات منطقه جغرافیایی سراسر اروپا از آتلانتیک تا اورال را دربر میگیرند.

گام نخستین میتواند کاهش متقابل تعداد نفرات ارتش‌های کشورهای دو اتحاد نظامی — سیاسی از صد تا صد و پنجاه هزار نفر از هر طرف در ظرف یک یا دو سال باشد. کاهش نیروی هوایی ضربه‌تاکتیکی در چهارچوب این تدابیر اهمیت فراوان می‌داشت. بلافاصله پس از این اقدام کشورهای عضو پیمان ورشو برای انجام کاهش‌های قابل توجه بعدی هم آماده هستند که در نتیجه آنها، در صورت آمادگی متقابل کشورهای پیمان آتلانتیک نیروهای زمینی و نیروی هوایی ضربه‌تاکتیکی هر دو اتحاد در اروپا در آغاز سال‌های ۹۰ تقریباً تا ۲۵ درصد نسبت به سطح کنونی کاهش خواهد یافت که بیش از نیم میلیون نفر از هر طرف خواهد بود.

با اینهمه در نظر است سیستم کنترل شمر بخشی در تمام عرصه ها و در تمام مراحل کاهش تسلیحات و خلع سلاح با استفاده از راه و روش و وسایل طی و بین الطلی تا مرحله بازرسی در محل تهیه شود. کشورهای عضو پیمان ورشو اعلام کردند که آنها برای بحث و مذاکره و اتخاذ تدابیر کنترل تکمیلی دیگری هم آمادگی دارند.

پس از دیدار بوداپست اتحاد جماهیر شوروی که از مشی جستجوی توافق قابل قبول برای طرفین پیروی میکند شکل بینابینی حل و فصل مسائلی را پیشنهاد کرد که در مذاکرات ژنو شوروی و آمریکا مورد بحث و مذاکره است. پیشنهاد بشرح زیر است:

— تموا فسق درباره اینکه حداقل طی پانزده سال مواد قرارداد مربوط به دفاع ضد موشک اجرا شود و کار در رشته ابتکار دفاعی استراتژیک در سطح پژوهشهای آزمایشگاهی محدود بماند؛

— سلاحهای تعرضی استراتژیک هر دو طرف به میزان یکسانی محدود گردد و مسئله سلاحهای با برد متوسطی که به اراضی طرف دیگر میرسند و از جمله موشکهای بالدار با برد زیادی که روی زمین استقرار یافته، جداگانه حل و فصل شود.

در همین حال اتحاد شوروی طرح قرارداد ویژه موشک های با برد متوسط در اروپا را هم پیشنهاد کرد و اعلام نمود که به تعداد این قبیل موشک ها در آسیا نخواهد افزود.

پیشنهاد تازه و مشخص اتحاد شوروی هم که مضمون آن تبدیل فضای کیهانی نه به عرصه "جنگ ستارگان"، بلکه به عرصه همکاری شمر بخش بین الطلی برای دستیابی به "صلح ستارگان" است برای بررسی و اظهار نظر در اختیار مردم جهان قرار داده شده است.

تحقق پیشنهاد های کشورهای سوسیالیستی وظیفه ساده و آسانی نیست. ولی انجام این پیشنهاد ها لازم است، زیرا فقط قطع آزمایش های اتمی، انجام خلع سلاح هسته ای و جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی، قدغن ساختن سلاح شیمیایی و نابود کردن آن و از بین بردن سایر وسایل و سلاحهای نابودی جمعی میتواند ما را به ایجاد دنیای امن تری هم برای خلق های اروپا و هم برای تمام خلقهای روی زمین رهنمون گردد.

در اینجا نمیتوان در همین خصلت ویژه تدابیری را که کشورهای عضو پیمان ورشو پیشنهاد میکنند، یعنی پیگیری آنها را یاد آور نشد. برنامه عملی که در دیدار بوداپست طرح شده، ابتکارات گذشته ای را که در اعلامیه رهبر شوروی (مورخ ۱۵ ژانویه) و اسناد کنفرانس های احزاب کمونیست و کارگری حاکم وجود داشته ادامه داده و تکمیل میکنند. ابتکارات کشورهای سوسیالیسم

از سیاست پیگیر آنها که در جهت برطرف ساختن خطر جنگ، بوجود آوردن جهانی امن و باثبات است و همچنین از خصلت دفاعی دگرترین نظامی آنها ناشی میشود که مستلزم حفظ تعادل نیروهای نظامی در پائین ترین سطح ممکن و کاهش پتانسیل های نظامی تا حدودی است که برای تأمین دفاع کفایت میکند. آنها اینبار هم با احساس مسئولیت کامل اعلام داشتند که هیچوقت و در هیچ شرایطی اگر مورد تجاوز قرار نگیرند به عملیات جنگی علیه هیچ کشوری، خواه در اروپا، خواه نقاط دیگر جهان دست نخواهند زد.

پیشنهاد کشورهای عضو پیمان ورشو درباره انحلال همزمان هر دو اتحاد نظامی هم از همان نیات صلح آمیز سرچشمه میگردد.

طبیعی است که این قبیل ابتکارات نمایندگان محافظ افراطی امپریالیسم آمریکا و سایر کشورهای ناتو را به آشفتگی و پریشانی معینی دچار میکند. طبق سنتی که ایجاد شده به این پیشنهادات بدون درنگ برجسبی میزنند که اینها همه گویا "تبلیغات" است و هدف از آن هم فریب افکار عمومی است، باین سبب که گویا نه خلع سلاح، بلکه بعکس نیرو و قدرت میتواند صلح را تأمین کند.

ولی آیا این تبلیغات است که یکسال است اتحاد شوروی آزمایش های هسته ای را متوقف کرده است؟ چه چیزی میتواند بهتر از این برخوردی جدی و کثرت بموضوع را باثبات رساند؟ اگر این "فقط تبلیغات" است، آنوقت يك سری انفجارهای هسته ای را که اخیراً در ایالات متحده آمریکا انجام شده چگونه باید ارزیابی کرد؟ این سؤال فقط يك جواب دارد و آن اینکه واشنگتن به مشی مسابقه تسلیحاتی ادامه میدهد. خود نمایندگان کاخ سفید و پنتاگون تأیید میکنند که بدون انجام این قبیل آزمایشها نمیتوان نه پتانسیل نظامی را تکمیل کرد و نه سلاح هسته ای تازه ای ساخت. درست بهمین سبب هم کشورهای عضو پیمان ورشو پیشنهاد میکنند که به آزمایشهای اتمی پایان داده شود. بهمین سبب اتحاد شوروی به رسک معینی دست زده است و قطع آزمایش هسته ای یکطرفه خود را تمدید کرده است. آیا برای یقین حاصل کردن باینکه پیشنهادات صلح آمیز سوسیالیسم حرف توخالی نیست دلایل دیگری هم لازم است؟ این برنامه است که با خود سرشت نظام نو و آرمانها و ارزش های بشری و ستانه آن تطابق دارد.

طرفداران مسابقه تسلیحاتی، اکنون اقدامات خود را اغلب زیر شعارهای امنیت ملی استتار میکنند. ولی در قرن هسته ای مضمون خود این مفهوم هم تغییر میکند. در شرایط موجودیت سلاح مؤشکی - هسته ای و سایر وسایل نابودی جمعی مدرن هیچ امنیت "طی" یا "منطقه ای" که بطور جداگانه و مجزا قابل درک باشد نمیتواند وجود داشته باشد. نه برنامه های

"جنگ ستارگان" و نه نقشه های دیگری که ممکن است گران قیمت تر و یا بخرنج تر باشد کمکی به رد این واقعیت نمیکند. اکنون امنیت ملی و منطقه ای فقط بمنزله امنیت عمومی یعنی در چهارچوب کره زمین میتواند وجود داشته باشد. امنیت ملی نه برای بلغارها، مجارها، لهستانی ها، روسها، آمریکاها، انگلیسی ها، فرانسویها و ژاپنی ها، بلکه برای همگان میتواند وجود داشته باشد. این موضوع را حالا دیگر سیاستمداران و دانشمندی که احساس مسئولیت میکنند، پزشکانی که به انجام وظیفه انسانی خود شرافتمندانه برخورد میکنند و میلیونها نفر طرفداران صلح درک کرده اند. چنین بنظر میرسد که، وقت آن رسیده است که کسانی هم که از منطق کهنه اند بشین دست برنداشته اند روی این موضوع بیندیشند.

برای احزاب حاکم کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو مسئله روشن است. تداومی که آنها در بوداوست پیشنهاد کرده اند در جهت دست یافتن به چنین امنیتی برای تمام جامعه بشری است. در آن پیشنهادها بهترین آرزوهای تمام خلقها برای صلحی استوار، جهان بدون زورگویی و جنگ که در آن تمام کشورها از بزرگ تا کوچک، سرمایه داری و سوسیالیستی بتوانند زندگی کنند و مناسبات خود را بر پایه شرایط واقعی پیشرفت و تصورات و سنن خویش برقرار سازند بازتاب یافته است. در این عرصه است که باید مسابقه ترتیب داد که کدام کشوری بهتر، کاملتر و پیگیرتر میتواند نیازهای خلقهای خود را برآورده سازد و شرایط را برای ابراز وجود شخصیت انسان آماده کند، نه در عرصه گردآوری و ذخیره اسلحه.

متأسفانه باید تأکید کرد که بسیاری از نمایندگان محافظ حاکمه ایالات متحده آمریکا و برخی از متحدین واشنگتن در ناتو هنوز بدرك این واقعیت ساده که برای جامعه بشری راه سوسی وجود ندارد نرسیده اند.

اکنون برای اکثریت قاطع مردم روشن شده است که جنگ هسته ای، حتی اگر جنگ محلی و محدودی هم باشد میتواند موجب پیدایش چنان تغییراتی در محیط زیست گردد که به ناپودی تمام موجودات زنده منجر خواهد شد. ولی این را هم باید درک کرد که مسابقه تسلیحاتی هم بخودی خود با هر جمله و اصطلاحی نظیر "صلح از موضع قدرت" هم که آنها مستور دارند برای زندگی خطرناک است. بنابه ارزیابی انستیتوی بین المللی ویژه پژوهش مسائل مربوط به صلح در استکهلم هزینه های نظامی در سراسر جهان از سال ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۸۵ از ۵۰۷ میلیارد دلار به تقریباً ۱۰۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است. این رقم تقریباً دوازده برابر بیشتر از محصول کل داخلی سراسر آمریکا (که فقط ۸۳ درصد آنست) آمریکا لاتین (که ۲۲/۵ درصد آنست) و تمام کشورهای نواستقلال آسیا و تقریباً ۱۷ بار بیشتر از کمک های رسمی ویژه عمران و پیشرفت است.

مسابقه تسلیحاتی وسائل مادی و منابع طبیعی جامعه بشری را تحلیل می برد و متخصص ترسناک کارهای علمی و تولیدی را از کار سازنده دور میکند. اکنون در سراسر جهان صد میلیون نفر در امور و تدارکات نظامی فعالیت میکنند؛ یک چهارم دانشمندان و مهندسان جهان که دارای مدارک رسمی تحصیلات عالی هستند دست اندرکار پژوهش های نظامی و تهیه وسائل لازم برای آنها میباشند. در کشورهای عمده سرمایه داری از ۱۰ تا ۱۰۰ درصد مواد خام اساسی برای هدف های نظامی بمصرف میرسد. اگر کشورها و خلقها زندگی کردن در صلح درکنار یکدیگر را فراتگیرند نابودی جمعی در انتظار آنهاست و این بلیه میتواند با در نتیجه اشتباه تکنیکی یا بشری در هر لحظه ای رخ دهد و با در کره زمینی که ثروتهای طبیعی خود را از دست داده و ضعیف و بی بنیه شده در آینده دورتری انجام پذیرد. این نه وهم و تصویری دایر بر فرارسیدن قیامت بلکه امکانی است که کاملاً میتواند به واقعیت مبدل شود.

متوقف ساختن مسابقه تسلیحاتی و گذار به خلق سلاح نه فقط میتواند وخامت وضع بین المللی را کاهش دهد و خطر بلیه هسته ای را برطرف سازد، بلکه برای از میان بردن تدریجی فقر و عقب ماندگی در تمام نقاط جهان وسائلی در دسترس انسانها قرار خواهد داد و به حل و فصل سایر مسائل جهانی هم کمک خواهد کرد. بهین سبب است که همه های مبهم و نامشخص دولت آمریکا درباره بررسی پیشنهاداتی که در کفرانس بوداپست مطرح شده و آنها در آینده نامعلوم کسانی را که اکنون صادقانه در امر صلح ذینفع هستند و نگران سرنوشت جامعه بشری میباشند ارضاء نمیکند. در همین حال در واشنگتن و پایتخت های برخی دیگر از کشورهای ناتو محافظان معینی میکوشند از ارج و اعتبار ابتکارات کشورهای سوسیالیستی بگاهند و جاذبه آنها را تضعیف کنند.

تلاش شدید نمایندگان نیروهای ملیتاریست بمنظور عقیم ساختن تمام امکانات موجود برای دست یافتن به انعقاد قرارداد های تازه ای که مسابقه تسلیحاتی را محدود میکنند و در همین حال مدفون ساختن تمام قرارداد هایی که در این عرصه وجود دارد نگرانی ویژه ای برمی انگیزد. دولت آمریکا برای تهرئه امتناع از مراعات قرارداد مربوط به محدودیت تسلیحات استراتژیک تعرضی (سالت - ۲) که رهبران اعلام کرده از درازگویی و شرح و تفصیل در بیخ نی ورزد. در ضمن آنها به شگردهای ناشایستی هم دست میزنند که متهم ساختن اتحاد شوروی به "نقض" برخی از مواد قرارداد از آنجمله است. رهبران که قادر نبودند دلیل دلائل اثبات این مدعا ارائه دهند (چون اتحاد شوروی مواد قرارداد را اکتفاً مراعات میکرد و دلیلی نمیتوانست وجود داشته باشد) قرارداد سالت - ۲ را وسیله "قانونی کردن مسابقه تسلیحاتی" نامید و اعلام داشت که او گویا همیشه مخالف این قرارداد مشخص بوده است.

تأمین شدیده بدست آوردن برتری نظامی بهر قیمتی که شده نمایندگان مبارز مظلوم
امریکا را وادار به برداشتن گام مخاطره آمیز دیگری میکند که اساس ثباتی را که در توازن
نیروها در هرسه بین اطلالی بوجود آمده متزلزل میسازد. صحبت بر سر پیدایش تأمل به آغاز
حمله به قرارداد مربوط به محدود ساختن سیستم دفاع ضد موشک است که مبلغین "جنگ ستارگان"
بسرپرستی واین برگر وزیر دفاع آمریکا روی آن بشدت اصرار می ورزند.

در حقیقت آنکه ایالات متحده آمریکا به قوه قهریه، مشت هسته ای و تروریسم دولتی را که
از موضع سیطره جوشی و عدم تحمل ایدئولوژی طرف دیگر آنرا توجیه میکنند فقط با عدم تأمل به
در نظر گرفتن واقعیات دوران معاصر میتوان تشریح نمود. دولت آمریکا در نقاط مختلف جهان
دست به اقداماتی میزند که مناسبات بین اطلالی را حادثر میکنند. این دولت هنوز هم وضع دنیا
را با مقوله های کلاسیک های هسته ای و "جنگ ستارگان" و از زاویه دید مسابقه تسلیحاتی و
شانناژ ملیتارستی ارزیابی میکند و بدین ترتیب هم امنیت همگانی و هم امنیت کشور خود را متزلزلتر
میسازد.

در چنین شرایطی در برابر هر فردی این پرسش مطرح میشود که چه موضعی اتخاذ کند؟
کمیونیت ها برای تأمین میلیونها تن از افراد بشر به صلح ارج فراوانی قائل هستند. در همین
حال آنها بر این عقیده اند که اکنون تنها خواستن صلح و محکوم کردن افزایش پتانسیل نظامی
کافی نیست و فقط بی بردن باینکه خطری که جامعه بشری را تهدید میکند از کجا است کفایت
نمیکند. باید عمل کرد! باید با جدیت و بهگیری و بطور هدفمند دست بکار شد.

ابتکارات بشری و ستانه کشورهای سوسیالیستی برای ایجاد چرخشی بنیادی در تمام امور
بین اطلالی شرایط مقدّماتی خوبی فراهم میآورد. ولی وجود شرایط مساعد هنوز بمعنی پیدایش
چرخش در جهت مطلوب نیست. خطری که جامعه بشری را تهدید میکند خطری بهسابقه است و
برای برطرف ساختن آن هم تلاش و کوشش بهسابقه ای لازم است.

حل مسئله تأمین صلح و امنیت عادلانه و استوار برای خلقهای روی زمین نیازمند همکاری
نزدیک تمام نیروهای صلح دوست است. سوسیالیسم جهانی، جنبش کمیونیتی و کارگری بین اطلالی،
خلقهای کشورهای نواستقلال و جنبش توده ای دموکراتیک هم خواستار همین هستند.

اینکه کمیونیتها وظیفه خود را در این می بینند که توده ها را به درک این واقعیت سادّه
رهنمون گردند که دست یافتن به موفقیت های واقعی در حفظ صلح نیازمند همکاری تمام جنبشها
جریانه ها و گروههایی است که خطر جنگ را درک میکنند. هر قدر تفرقه و ناپاوریها و اوهام در
صفوف آنان زودتر برطرف گردد و هر قدر تفاهم متقابل کاملتر باشد، پتانسیل نیرومند صلح، خرد،

حفظ زندگی خویش و تأثیر آنها در پیشرفت جهان بطور شمر بخش تری افزایش خواهد یافت. عدم
توافق به پیوستن به ابتکارات صلح، از هر کجا که باشد فقط نقش و نیروی دیپلماسی خلقها را که
در جهت تأمین امنیت همگانی است تضعیف میکند. کمیونیتها هم ضمن فعالیت در کشورهای
خود تمام کسانی را که در مسابقه تسلیحاتی و تشدید و خامت وضع بین اطلالی نافع نیستند، از جمله
سیاستمداران بورژوازی را که آماده اند به واقعیات دوران ما آگاهانه بنگرند، به زیر پرچم صلح
فرامی خوانند. در جنبش طرفداران صلح مخالفانی وجود ندارد، در آنجا فقط شرکای با حقوق
برابر دیده میشوند و صفوف آنان برای تمام کسانی که ما بلند صافانه با خطر آتش سوزی هسته ای
مقابله کنند جا وجود دارد.

برنامه مشخصی که در کنفرانس کمیته سیاسی مشورتی کشورهای عضو پیمان ورشو مطرح شده
بار دیگر این نکته را تأیید میکند که کشورهای سوسیالیستی عضو پیمان ورشو نظریه مشارکت، این
یگانه نظریه قابل قبول برای دوران ما را رهنمون خود قرار داده اند. پیشنهادهایی که در
بوداپست طنین افکنند برای تمام جامعه بشری حائز اهمیت میباشند. آنها خطاب به تمام کشورها
بخزله شرکای با حقوق برابر در امر تأمین امنیت واقعی خلقها ارائه شده اند.

کنفرانس ارگان عالی پیمان ورشو بار دیگر وحدت کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی
را در برخورد به مسائل بنیادی پیشرفت دوران کنونی و عزم راسخ آنها را به این امر نمایان ساخت
که در آینده هم دوش بدوش یکدیگر و بطور خستگی ناپذیر از عمده ترین حق هر فرد و تمام جامعه
بشری که حق حیات و زندگی در صلح است دفاع خواهند کرد.

گ. گانف،

عضو هیئت تحریریه، نماینده حزب کمیونیت بلغارستان

در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم".

ش. سرچیک،

عضو هیئت تحریریه، نماینده حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم".

ا. واشچوک،

عضو هیئت تحریریه، نماینده حزب متحد کارگری لهستان

در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم".

نیروی محرکه همبستگی انترناسیونالیستی

پورگن پنمن

صدر حزب کمونیست دانمارک

اهمیت همبستگی اینترناسیونالیستی و همکاری نیروهای انقلابی، دموکراتیک و مترقی در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح و ترقی اجتماعی، در دوران ما بی اندازه افزایش یافته است. همکاری جنبش‌های اجتماعی - سیاسی که دارای منشاء گوناگون هستند هر چه بیشتر به شرط لازم برای پیشرفت پروسه انقلابی جهانی، مقابله با حمله متقابل سرمایه و حفظ صلح همگانی مبدل میشود.

ایده بولویک‌ها و سیاستمداران بورژوازی خوب درک میکنند که وحدت به طبقه کارگر بین‌المللی که سایر نیروهای انقلابی و دموکراتیک را گرد خود متحد ساخته است چه نیروی می‌بخشد. به همین سبب بورژوازی انحصاری تلاش میکند، از یکسو، پروسه تحکیم همبستگی ضد امپریالیستی را متزلزل سازد، زحمتکشان کشورهای گوناگون را بپراکند و متفرق کند، جنبش کمونیستی بین‌المللی را تضعیف نماید و از سوی دیگر زیر پرچم "جنگ صلیبی" ضد کمونیستی دنیای سرمایه داری را متحد سازد و اقدامات ارتجاع امپریالیستی را بمقیاس جهانی هم‌آهنگ کند. آنها هدفهایی مشروط به منافع طبقاتی خود بدین شرح مطرح میکنند - باید سوسیالیسم را به "نهاله دان تاریخ" افکند، سیستم استثمار نواستعماری کشورهای در حال رشد را حفظ کرد، به جنبش‌های کارگری و سندیکائی در کشورهای سرمایه داری ضربه وارد آورد، باید زحمتکشان را مجبور کرد بدون چون و چرا بار مسابقه تسلیحاتی، بحران‌ها و تجدید ساختمان تولید را که نتیجه انقلاب علمی - تکنیکی است بدوش بکشند.

طبقه کارگر بین‌المللی، ضمن دفاع از منافع خود در راه منافع تمام جامعه بشری مترقی هم مبارزه میکند. این طبقه از جنبش آزاد بیخشم ملی‌خلقها پشتیبانی بعمل می‌آورد، از حقوق و آزادبهای دموکراتیک دفاع میکند و علیه ارتجاع، فاشیسم و نئوفاشیسم بیکار میکند. در مقابله با دسایس تجاوزکارانه امپریالیسم، خطر بلیه هستمای همگانی و کمک به تدابیری که در راه قطع مسابقه تسلیحاتی، خلع سلاح و تحکیم صلح و امنیت اتخاذ میشود نقش قاطع از آن طبقه کارگر

است. مبارزه در اطراف این وظایف برای آن امکانات فراوانی بنظر همکاری با متحدین خود و گسترش چهارچوب‌های اجتماعی و جغرافیائی اقدامات مشترک فراهم می‌آورد.

اشتراک منافع پایه و اساس همبستگی کارگران با برادران طبقاتیشان در سایر کشورها است. تجربه تاریخی به اثبات رساند که انترناسیونالیسم پرولتری سلاح نیرومند آزمون شده طبقه کارگر و جنبش کمونیستی جهانی است. اهمیت همین (ابزکتیف) آن از این ناشی می‌گردد که کارگران سراسر جهان دشمن مشترک طبقاتی دارند که مبارزه اش در راه حفظ مواضع خویش دارای خصمت بین‌المللی است. سخنانی که و. ای. لنین اواخر قرن نوزدهم بیان کرده هنوز هم بقوت خود باقی است: "وحدت کارگران تمام کشورها ناشی از این ضرورت است که طبقه سرمایه داران که بر کارگران حکومت میکنند، سلطه خود را به یک کشور محدود نمی‌سازد. . . . سلطه سرمایه، سلطه ای بین‌المللی است. به همین سبب هم مبارزه کارگران تمام کشورها در راه آزادی خود فقط در صورت مبارزه مشترک کارگران علیه سرمایه بین‌المللی با موفقیت همراه است" (۱)

انترناسیونالیسم پرولتری بطور ارگانیک از خود ماهیت فعالیت احزاب کمونیست که بیانگر منافع بنیادی طبقه کارگر هستند سرچشمه می‌گیرد. اندیشه همبستگی تعیین کننده مناسبات متقابل آنها و خصمت روابط و همکاری آنها است. تمام تاریخ جنبش کمونیستی جهانی با بسط و تکامل انترناسیونالیسم پرولتری و افزایش همکاری احزاب انقلابی طبقه کارگر ارتباط بسیار نزدیکی دارد. ک. مارکس و ف. انگلس بر این نکته تأکید میکردند که کمونیست‌ها با سایر احزاب کارگری این فرق را دارند که "در مبارزه پرولتاریای ملل مختلف، آنها منافع مشترک همه پرولتراها را بدون توجه به طبیعت آنها بازشناخته و از آن دفاع میکنند. . . ." (۲)

مبند بنیادی و اساسی مارکسیسم مانند "مانیفست حزب کمونیست" که با شعار مشهور "پرولتراها تمام کشورها، متحد شوید!" پایان می‌یابد آمیخته با روح انترناسیونالیسم پرولتری است. در مانیفست ماهیت طبقاتی انترناسیونالیسم بمنزله سلاح پرولتاریا در مبارزه علیه سیستم استثمار سرمایه داری و ایجاد نظام اجتماعی سوسیالیستی شکل فشرده ای بیان شده است.

اکتبر کبیر و پیدایش نخستین کشور سوسیالیستی بمعنی پیروزی انترناسیونالیسم پرولتری هم بود و سیاست داخلی و خارجی این کشور بر پایه اصول انترناسیونالیسم پرولتری بنانهاد ه شد. زحمتکشان سراسر جهان در سیمای جمهوری شوروا تکیه گاه جنبش انقلابی و منبع کمک مؤثری به مبارزه خود در راه آزادی اجتماعی و ملی را یافتند. در همین حال همبستگی بین‌المللی

۱- و. ای. لنین. مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۲، صفحه ۹۸ - ۹۷

۲- ک. مارکس و ف. انگلس. مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۴، صفحه ۴۳۷

کارگران با کشوری که سوسیالیسم در آن پیروز شده بود به تثبیت نظام اجتماعی نو کمک کرد.

حزب کمونیست دانمارک که در آن سالها ایجاد شد از همان آغاز در مواضع انترناسیونالیستی اصولی قرار گرفت. کمونیست های دانمارک، از دومین کنگره کمینترن در سال ۱۹۲۰ در فعالیت این مجمع بین‌المللی احزاب کمونیست شرکت کردند. آنها فراخوان حماسی آن دوران را که پشتیبانی از روسیه شوروی انقلابی و دفاع از جامعه نو سوسیالیستی در برابر هرگونه تجاوز از طرف امپریالیسم بود از جان و دل پذیرا شدند. در عملیات توده ای زحمتکشان زیر شعار "از روسیه شوروی دستها کوتاه!" هم که در آن هنگام در دانمارک و سایر کشورهای سرمایه داری صورت میگرفت، کمونیست ها نقش بزرگی داشتند.

اعضای هیئت نمایندگی حزب کمونیست دانمارک تابستان سال ۱۹۲۱ از مسکو بدن کردند و با چشمان خود دیدند که زندگی نو بدون سرمایه داران و ملاکان، با وجود شرایط فوق‌العاده دشوار پس از جنگهای امپریالیستی و میهنی که کشور را تضعیف کرده بود، با چه شور و شوقی ساخته میشود. آنها در مسکو روحیه انقلابی و همبستگی پرولتری کمونیست ها را بطور بارزی بیان کردند.

اعضای هیئت نمایندگی در بروشوری زیرعنوان "کمونیست های دانمارک درباره شوروی" درباره کارگران روس نوشتند "رنج و زحمت آنها را به قهرمانان مبدل کرد"، زیرا آنها "در مقابل سختی ها دلیرانه مقاومت کردند و با آگاهی باینکه آنها بهشتازان مبارزه تاریخی طبقه کارگر در راه آزادی خود میباشند، بمبارزه ادامه دادند". کمونیست های دانمارک که طرفدار آرمانهای کمونیستی پرولتاریای پیروزمند کشور شوراها بودند در نتیجه سفر خود قاطعانه با پس نتیجه رسیدند که: "پشتیبانی از این نیات و تعالیات از راه سرنگون ساختن سیستم پوسیده و بی اعتبار سرمایه داری، آزاد ساختن خود از ستم سرمایه داری و در نتیجه ایجاد شرایط نه فقط برای روسیه، بلکه همچنین برای خود و اخلاف خویش وظیفه طبقه کارگر در سراسر جهان است" (۱).

اکثر کبیر نه فقط زحمتکشان کشورهای سرمایه داری را انقلابی کرد، بلکه توده های ستمدیده کشورهای مستعمره و وابسته را هم به حرکت درآورد. اگرچه مبارزات آنها هدف های پرولتری را دنبال نمیکرد، از آنجا که لبه حمله علیه امپریالیسم بود با یکبار طبقه کارگر در هم می آمیخت. گسترش پرجوش و خروش جنبش ملی آزاد بخش جزئی تکمیلی مهمی به شعار سنتسی

کمونیست ها افزود و این شعار بدین صورت درآمد: "پرولتاریای تمام کشورها و خلق های ستمدیده متحد شوید!". جنبش آزاد بخش ملی به یکی از جریانهای پروسه انقلابی جهانی مبدل شد.

بررسی این موضوع سودمند است که کدام گرایش ها و عوامل واقعات معاصر، همبستگی بین‌المللی زحمتکشان را به عنصر تفکیک ناپذیر و ضرور حزب سیاسی مبدل میکنند. طی دهه اخیر پروسه های انترناسیونالیزاسیون اقتصادی، اجتماعی و معنوی در جهان بطور چشمگیری تسریع شده است. بهسرفرت نیروهای تولیدی گسترش مداوم تماس میان خلقها را بدنبال دارد و به معاشرت و ارتباط متقابل آنها یاری میرساند. انقلاب علمی-تکنیکی نیروی محرکه عظیمی به انترناسیونالیزاسیون زندگی اقتصادی بخشیده و هرچه بیشتر نیازمند اشتراکی کردن تولید است این پروسه ها در کشورهای سوسیالیستی به تحکیم نظام اجتماعی نو و نزدیکی خلقها می انجامد و در خدمت به منافع زحمتکشان است.

در شرایط سرمایه داری بورژوازی انحصاری تلاش میکند از همان گرایش های عینی بسود هدفهای طبقاتی محدود خویش بهره برداری کند. فعالیت شرکت های ترانس ناسیونال که در چهارچوب آنها تمرکز سرمایه از مرزهای کشور فراتر رفته است بر این گواهی میدهد. آنها مناطق زیادی را زیر نفوذ خود دارند، بطور مثال کمپانی "آی بی ام" آمریکا در ۸ کشور و از جمله در دانمارک شعبه دارد و به مسائل اقتصادی هم بسنده نمیکند. خطوط تازه ای که در سیاست ضد کارگری سرمایه انحصاری پدید آمده و کوششی که انحصارها برای در نقطه مقابل یکدیگر قرارداد ان زحمتکشان کشورهای مختلف بخرج میدهند با همین شرکتها در ارتباط است. اقدامات این شرکتها تضاد میان کار و سرمایه را عمیق تر میکند و بمبارزه طبقاتی که بورژوازی درگیر آنست خلعت بین‌المللی هرچه بیشتری میدهد.

در مرحله سرمایه داری دولتی-انحصاری پروسه های همپیوندی درون سیستم سرمایه داری تشدید میگردد، این پروسه ها را هم تکامل نیروهای تولیدی و هم تلاش انحصارها برای افزایش درآمد خود تسریع میکنند. "بازار مشترک" میتواند نمونه ای از این جریان باشد زیرا فعالیت آن تمام و کمال تابع نیازمندیهای سرمایه بین‌المللی است.

البته تمایل بورژوازی انحصاری به تشریک مساعی نه فقط از علل اقتصادی، بلکه از علل سیاسی هم سرچشمه میگردد. پیش از هرچیز بورژوازی، برغم تضاد های موجود، مایل است اقدامات خود را بمنظور حفظ سیستم سرمایه داری، مبارزه علیه سوسیالیسم و جنبش های کارگری، و مومراتیک و آزاد بخش هم آهنگ سازد. به مراکز موجود هم آهنگ کننده سیاست مانند ناتسو و

بازار مشترك اروپا اشكال تازه تدوين و تحقق استراتژی طبقاتی مشترك امپریالیسم هم اضافه میشود. صحبت بر سر اجلاس هیات مشورتی رهبران کشورهای عمده سرمایه داری و فعالیتها ی باصلاح کمسیون سه جانبه است که نمایندگان محافظ انحصاری و دولتی ایالات متحده آمریکا، ژاپن و اروپای غربی در چهارچوب آن به نظریات و توصیه های مشترکی میرسند که معمولاً، بعداً در سیاست رسمی در نظر گرفته میشود.

پدیده های تازه ای هم در مبارزه جهانی زحمتکشان بچشم میخورد. اخیراً هرچه بیشتر آن مسائلی پیش کشیده میشود که نمیتوان آنها را در چهارچوب های ملی حل کرد و این مسائل چنان همکاری بین المللی را اقزام میکنند که با شیوه های امپریالیستی تحمل راه حل "از موضع قدرت" مقابله نمایند. برخی از این مسائل عبارتند از جلوگیری از بلعیده هسته ای، نجات تمدن معاصر و خود زندگی در روی زمین، دفاع از محیط زیست، مبارزه با بیماریها، گرسنگی، بیسواد ی، برقراری مناسبات اقتصادی بین المللی تازه بر پایه برابری حقوق و عدالت. اگرچه سیاستمداران بورژوازی حتی حاضرند از "وابستگی متقابل عمومی" کشورها و خلقها دم بزنند، سرمایه داری مانع تشریح مساعی خلقها برای حل و فصل مسائل جهانی است که در برابر جامعه بشری مطرح می گردد.

حتی بررسی سطحی پروسه های انترناسیونالیزاسیون زندگی اجتماعی نشان میدهد که در دوران ما نیاز به همکاری بین المللی طبقه کارگر و احزاب کمونیست و همبستگی تمام نیرو های انقلابی و دموکراتیک تاجه اندازه افزایش مییابد. حل مسائل زندگی اجتماعی حاد روز و همکاری بین المللی واحد و زبانی وابسته به سطح وحدت ضد امپریالیستی و همبستگی اقدامات آنها است.

همبستگی بین المللی طبقه کارگر و وحدت عمل و همکاری تمام نیروهای انقلابی اکنون نیز مانند گذشته هسته اصلی انترناسیونالیسم است. کمونیست های دانمارک صادقانه به این اصل عمده انترناسیونالیسم پرولتری وفادارند. در تاریخ حزب کمونیست دانمارک دوران دشوار و آموزنده ای وجود دارد و آن هنگامی بود که تجدید نظرطلبان راستگرا در سال ۱۹۵۸ در آن انشعاب بوجود آوردند. آنها درست هنگامیکه دیگر کمونیست نبودند از دیدگاه بورژوازی به "کمونیستهای شرافتمند و واقعی دانمارک" بدل شدند. حزب سوسیالیست توده ای که آنها تشکیل دادند از موضع طبقاتی دور شد و سرگرم بازی با احساسات ملی برخی از قشرهای اهالی گردید. در مقابل کمونیست های واقعی این سؤال مطرح شد که آیا با فدا کردن اصول به تجدید نظر طلبان گذشت کنند و با آنها "از در سازگاری" درآیند یا در مواضع طبقاتی خود باقی بمانند. عملاً صحبت بر سر انتخاب میان انترناسیونالیسم پرولتری و موضعگیری ضد شوروی بود کسب

تجدید نظرطلبان راستگرا بسوی آن غلتیدند. این انتخاب ما بدون تردید بسود انترناسیونالیسم پرولتری بود. اصولیت بما امکان داد نه فقط حزب را حفظ کنیم، بلکه آنرا بمنزله نیروی مهم سیاسی در کشور تثبیت نمائیم.

بهیست و پنجمین کنگره حزب (سال ۱۹۷۶) که برنامه کنونی حزب کمونیست دانمارک را تصویب کرد اعلام داشت "ایدئولوژی ما متکی به اصل انترناسیونالیسم پرولتری است که پایه و اساس وحدت نیروهای کمونیست ها است" (۱).

این عقیده ما در یک سلسله از مواد اصولی برنامه که خود پایه فعالیت های عملی حزب کمونیست است بازتاب یافت. در این سند گفته میشود "حزب کمونیست انترناسیونالیسم طبقه کارگر را بمنزله نیروی تعیین کننده در تحقق گذار آتی جهان از سرمایه داری به سوسیالیسم بشمار میآورد. حزب کمونیست دانمارک در جنبش جهانی کمونیستی طرفدار تحکیم وحدت احزاب کمونیست بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم کارگری است. بهمین سبب هم حزب به پیشرفت وحدت عمل احزاب کمونیست در مبارزه علیه امپریالیسم و تحکیم هرچه بیشتر وحدت ایدئولوژیک از راه انجام مباحثات مشترك بمنظور تکامل و پیشرفت خلاق اندیشه مارکسیستی و در انطباق با مسائل تازه دوران معاصر، یاری میرساند" (۲).

اشتراک فعال کمونیست های دانمارک در کنفرانس ها و اجلاس هیات مشورتی احزاب برادر که بطور چند جانبه برگزار میشود با روح و نص برنامه و معتقدات انترناسیونالیستی کمونیست های دانمارک توافق دارد. دیدار یک سلسله از احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری اروپا که پایتکار حزب کمونیست فرانسه در پاریس تابستان سال گذشته، بمنظور بحث و بررسی وظایف کمونیست ها در دوران تعمیق بحران اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری، برگزار شد یکی از نمونه های این فعالیت ها است. امکان تبادل تجربه و طرح مسائل تئوریک و نوی که پدید میآید در صفحات نشریه جمعی احزاب برادر یعنی مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" دارای ارج فراوانی است.

انترناسیونالیسم اکنون نیز مانند گذشته برای ما بمعنی همبستگی با سوسیالیسمی است که موجود است. بورژوازی امپریالیستی به هیچ چیزی اینقدر علاقمند نیست که حس اشتراک منافع زحمتکشان دنیای سرمایه داری و کشورهای سوسیالیستی را تضعیف نماید و مانع از این شود که

۱- بهیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست دانمارک، مسکو ۱۹۷۸، صفحه ۳۲

۲- همانجا، صفحه ۱۵۲

این حسن با اقدامات عملی توأم گردد. سلاح عمده مبارزه آن علیه سوسیالیسم و مجموعه جنبش کمونیستی هم ضدیت با شوروی بوده و هست و در ایدئولوژی و سیاست ضد کمونیستی ضدیت با شوروی هسته اصلی را تشکیل می‌دهد. نمیتوان این را نادیده گرفت که ارتجاع امپریالیستی در تلاش خود برای بی اعتبار ساختن اتحاد شوروی می‌خواهد از نفوذ سوسیالیسم بطور کلی بکاهد و نیروی جاذبه اندیشه های کمونیسم برای توده های مردم را تضعیف کند.

تعلیقات بورژوازی در طول تاریخ موجودیت اتحاد شوروی دست اندر کار تحریف مسائل ساختمان سوسیالیستی، بزرگ جلوه دادن دشواریهای طبیعی رشدی که اتحاد شوروی ناگزیر باید برطرف سازد و پیش بینی کردن "بحران های" اقتصاد شوروی است. حساب آنها هم فقط این نیست که میان کارگران کشورهای سرمایه داری در باره امکانات و فواید سوسیالیسم و بکار آمدن تجربه آن برای کارگران بذر شک و تردید بباشند. بورژوازی مایل است در همین حساب توجه زحمتکشان را از گرفتاریها و مشکلات خودشان که زائیده تضاد های سرمایه داری و سیاست انحصارها است منحرف سازد و طبقه کارگر و کمونیست ها را از سایر قشرهای دموکراتیک جامعه جدا کند و آنانرا از مبارزه انقلابی در راه سوسیالیسم منصرف نماید. منافع بنیادی مبارزه در راه آزادی اجتماعی زحمتکشان بیکار قاطعانه با آنتی سوسیالیسم و دفاع از سوسیالیسم مویسود راه در مقابل جعلیات و اتهاماتی که تعلیقات بورژوازی اشاعه میدهند اجاب میکند.

البته، ساختن جامعه نو، ابتدا در اتحاد شوروی و بعد در سایر کشورهای سوسیالیستی ساده و آسان، بدون پیدایش و رفع دشواریها و تضادها انجام نشد و نمیتوانست انجام شود. فشار از طرف کشورهای امپریالیستی که از انقلاب اکبر به بعد کوشیدند و هنوز هم تلاش میکنند با تمام وسائل مانع پیشرفت و استحکام سوسیالیسم بشوند دشواریهای زیادی ایجاد میکرد. ولی با وجود این سوسیالیسم به موفقیت های شگفت آوری دست یافت و بدین ترتیب برتریهای بی شمار آنکارناپذیر اجتماعی - اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و معنوی مرحله تازه ترقی جامعه بشری را که بر سرمایه داری تفوق دارد نشان داد. برنامه تسریع پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و معنوی جامعه که کمونیست های شوروی اکنون تهیه و تنظیم کرده اند و با قرارهای کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی هم تثبیت شده اند دارای خصلت واقعاً انقلابی است و خوش بینی تاریخی سازندگان سوسیالیسم را ضعیف میکند. این برنامه به تمام کسانی که قادرند به واقعیت بدون پیش داوری برخورد کنند امکان میدهد آنها و درونمای پیشرفت نظام پیشرو اجتماعی را برهم دروغ بزرگ آنتی سوسیالیسم ببینند و ارزیابی کنند.

با توجه به قرارهای بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست شوروی که منشاء نوسازی و

خلافت است آشکارا دیده میشود که تعلیقات بورژوازی دیگر باسانی نمیتواند به لجن مال کردن زندگی مردم شوروی بشیوه های مبتذل و پش پا افتاده دست بزند و آنرا غیردموکراتیک، یکنواخت، تحت سلطه بورژوازی و فشار سانسور و مانند اینها جلوه دهد. چنین منظره استهزای آمیزی را اکثریت مردم در کشورهای غربی، یقیناً جدی تلقی نمیکردند. ولی برخی از عناصر آن، بدون تردید در ذهن و اندیشه آنان نقش می‌بست. نباید به تأثیر وسائل کنونی ارتباط جمعی که در دست بورژوازی است کم بها داد. ولی اظهارات آنها با اعتدای فعالیت خلاق و ابتکارهای مردم شوروی، گسترش هرچه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی، گسترش دامنه انتقاد و انتقاد از خود که فقط ویژه کسانی است که خود را واقعاً آزاد احساس میکنند، هرچه بیشتر در تضاد قرار میگیرد. یک سلسله از بهترین مسائل زندگی جامعه شوروی که تعلیقات بورژوازی به تحریف آنها تمایل فراوان دارد، در پیاسیخ م. س. گورباچف به پرسش های روزنامه کمونیست های فرانسه "اومانیته" بطور جزئی و عمیقاً تشریح شده است. اسناد و مدارک بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و برنامه تازه آن تمام مردمان پاک و شرافتمند دموکرات های واقعی را با حقایق مربوط به سوسیالیسم موجود آشنا میسازد. اشاعه این حقایق یکی از اشکال مهم همبستگی کمونیست ها و تمام نیروهای مترقی با کشور لنین است.

سیاست خارجی صلحد و ستانه کشورهای سوسیالیسم و مقدم بر همه اتحاد شوروی هدفتی دانی برای حلات تعلیقات بورژوازی است. موهومات مربوط به "تجاوزکاری شوروی" که بلافاصله پس از اکثر کبیر جمل و شایع کرده اند تا امروز هم هسته اصلی تمام تعلیقات برداشته ضد شوروی و ضد کمونیستی است. کاملاً روشن است که ارتجاع جهانی از این واقعیت بهره ای نمیگیرد که در مسائل استواری صلح، پیشگیری از جنگ هستمای، قطع مسابقه تسلیحاتی و بازگشت به کاهش تشنج و از یکسوم اهمیت ضد انسانی سیاست امپریالیستی و از سوی دیگر تطابق ابتکارات اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با منافع جامعه بشری بطورزی بارز نمودار است. بنظر ما کمونیست ها، ضرورت تنوّل ناپذیر تبلیغ همه جانبه و پشتیبانی از ابتکارهای صلح گستراننده سوسیالیسم هم از همینجا ناشی میشود.

بعقیده من این وظیفه را باید مشروح تر توضیح داد. تعلیقات بورژوازی اغلب کسانی را که از پیشنهادات صلحد و ستانه اتحاد شوروی پشتیبانی میکنند به فقدان حسن میهن پرستی و "دنباله روی از مسکو" متهم میکند. این قبیل اتهامات، معمولاً علیه کمونیست های مسوود استفاده قرار میگیرد که در جنبش در راه صلح شرکت میکردند. ولی همینکه سوسیالیست دموکراتها د انمارک با استقرار "پرشینگ های ۲" و موشک های بالدار در اروپا مخالفت کردند و انتقاد از

۳- بهتکار دفاعی استراتژیک ریگان را که برای جامعه بشری بمنزله خودکشی است، آغاز نمودند برای سیاستمداران راستگرای بورژوازی، آنها هم به "نوکران مسکو" مبدل شدند. محافظکاران افراطی جمهوری فدرال آلمان هم بحالت همین گناهان "سوسیال-دموکراتهای آلمان غریب" را بمنزله کمانیکه دیگر "مورد اعتماد" ناتو نیستند لجن مال میکنند.

چنین برمیآید که بله بله گفتن به برنامه های "جنگ ستارگان" و پیروی از دستورات واشنگتن "میهن پرستانه" است، ولی اعتراض علیه موشک های هسته ای آمریکا در اروپا و پشتیبانی از پیشنهاد های آزاد ساختن اروپا و سراسر جهان از سلاحهای هسته ای و شیمیایی میهن پرستانه نیست، فقط بدین سبب که این قبیل پیشنهادات را اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی مطرح میکنند. البته، تنها کمونیست ها نیستند که چنین منطق انحرافی را رد میکنند، اگرچه آنها بیش از دیگران خصلت طبقاتی آنها درک میکنند. دور مانسیدن از پشتیبانان ابتکارات صلحد و ستانه سوسیالیسم بمعنی گذشت به استراتژی ضد شوروی بورژوازی انحصاری و تضعیف جبهه همگانی ضد جنگ است.

علاقه توده های انبوه زحمتکشان دنیای سرمایه داری به خلقهایی که سوسیالیسم میسازند در زندگی جهان معاصر پدید آمده است. آنها بودند که با اقدامات پرتوان همبستگی بین المللی با مبارزه مردم ویتنام علیه تجاوز ایالات متحده آمریکا و در راه وحدت میهن خود و در دفاع از کهای سوسیالیستی در مقابل حملات امپریالیسم آمریکا نیرو می بخشیدند. اینک این علاقه به امر همبستگی با تعرض صلح سوسیالیسم و برنامه های تسریع پیشرفت اجتماعی - اقتصادی آن باری میسراند.

در مقابل طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سرمایه داری همواره وظیفه بالا بردن سطح و شمول بخشی اقدامات مشترک در دفاع از منافع و حقوق حیاتی خود و دست آورد های دموکراتیک و اجتماعی قرار دارد. این وظیفه اکنون بویژه از آن جهت ضروری است که سرمایه انحصاری بسا اذکار به پروسه منی انترناسیونالیسم تولید، استثمار را تشدید میکند. از انقلاب طلسمی - تکنیکی که با انبوه رفتن جمعی محل کار و افزایش بهکاری همراه است برای وارد آوردن فشار بیشتری بر تمام زحمتکشان بهره برداری میشود. زحمتکشان، بدون در نظر گرفتن مرزهای ملی، با مشکلات واحدی نظیر یافتن شغل، بهبود شرایط زندگی و کار، حفظ دست آورد های اجتماعی رهبر میشوند که انجام اقدامات مشترک و با عملیات واحدی بموازات یکدیگر را ایجاب میکند. بطور مثال در چهارچوب یک سلسله از شرکت های ترانس ناسیونال "کمیته های عمل" انترناسیونالیستی ایجاد گردیده که مواضع سندیکاها در کشورهای مختلف را با هم وفق میدهند و

اقدامات و عملیات کارگرانی را که در مؤسسات یک کمپانی کار میکنند هم آهنگ میسازند. تبادل متقابل اطلاعات و اخبار بد آنها امکان میدهد از منافع خود در جریان مذاکره با رؤسای مؤسسات و کارخانه ها بهتر دفاع کنند. نمونه های بسیاری در دست است که چگونه در صورت برگزینی اعتصاب در یکی از مؤسسات شرکت های ترانس ناسیونال اعتصابهای همبستگی در مؤسسات همنوع همین شرکت در سایر کشورها آغاز میگردد.

اقداماتی که در پشتیبانی از کارگران رزنده این یا آن کشور بعمل میآید شیوه سنتسی و بسیار رایج ابراز همبستگی انترناسیونالیستی بوده و هست. عملیات و اقدامات گسترده همبستگی با کارگران معادن ذغال سنگ انگلستان که دانه وسیعی پیدا کرد نمونه درخشان این همبستگی انترناسیونالیستی است. چنانکه میدانیم آنها در راه دفاع از محل کار خود در طول مسدودت یکسال تمام (۱۹۸۵ - ۱۹۸۴) بمبارزه ادامه دادند. برادران طبقاتی آنها در کشورهای سرمایه داری و سوسیالیستی اروپا و در آنسوی مرزهای اروپا تظاهرات و میتینگ های بسیاری تشکیل دادند، مبالغ زیادی پول، لباس و مواد غذایی جمع آوری کرده و برای خانواده های آنها فرستادند و کودکان آنها را برای استراحت بکشور خود دعوت کردند. اشتراک در این قبیل اقدامات آگاهی طبقاتی کارگران را بالا میبرد، احساس شرکت جستن در انجام کاری عادلانه را استحکام میبخشد و جنبش کارگری و سندیکائی را بمیزان قابل توجهی فعال تر میکند.

مبارزه در راه هدفهای مشترک برای زحمتکشان کشورهای مختلف اهمیت هرچه بیشتری کسب میکند. کمونیست های دانمارک در سال ۱۹۸۴ با همدردی فراوان مبارزه کارگران صنایع فلز آلمان غریب را که خواستار برقراری هفته کار ۳۵ ساعته بدون کاهش دستمزد ها بودند دنبال میکردند. این مسئله در دانمارک هم مانند آلمان غریب مسئله حاد و مبرمی است، زیرا کاهش زمان کار از دیدگاه اجتماعی حافظ اهمیت است و میتواند به اشتغال بیشتر کارگران هم تا اندازه ای کمک کند. موفقیت نسبی کارگران آلمان غریب و کاهش هفته کار در آینده تا حدود ۳۸/۵ ساعت به زحمتکشان سایر کشورهای اروپائی هم در مبارزه مشترکشان در راه دفاع از منافع خود کمک میکند.

طبقه کارگر اکنون موظف است حقوق دموکراتیکی را که بدست آورده از تجاوزات سرمایه انحصاری حفظ و حراست نماید. ارگانهای حاکمیت ثروتمندان حتی به آزادیهای محدود بورژوائی هم راه نمیدهند و هرچه بیشتر علیه اعتصاب کنندگان، مبارزان در راه صلح و دموکراسی به اعمال قهر متوسل میشوند. جنبش سندیکائی در دانمارک سال گذشته عملاً از حق اعتصاب و انجام مذاکرات با کارفرمایان محروم شد. دولت شرایط کار و دستمزد ها را بوسیله موافقت-

نامه های جمعی به کارگران تحمیل کرد. در فرانسه و جمهوری فدرال آلمان دولت تلاش میکند لوائح قانونی ضد کارگری را از پارلمان بگذراند که حقوق زحمتکشان را برای توسل به اعتصاب بشدت محدود میکنند و برای افعال فشار علیه آنان وسائل و امکانات تازماری در اختیار کارفرمایان قرار میدهند. در انگلستان آزادی عمل پلیس علیه تمام کسانی که آنها را "مظنون" تشخیص دهند شکل قانونی بخود گرفته است.

همبستگی با قربانیان پیگرد های سیاسی و تضییق و فشار و با کسانی که در زندان ارتجاع بسر می برند از خصائص جدائی ناپذیر جنبش کارگری بوده و هست. بطور مثال این واقعیت را که محافل گسترده جوامع کشورهای گوناگون از جنبش الغای قانون ننگین "جلوگیری از اشتغال برحسب تخصص" در جمهوری فدرال آلمان پشتیبانی بعمل آوردند، بجزرت میتوان در شمار خدمات کمونیست ها بحساب آورد.

انترناسیونالیسم طبقه کارگر در همبستگی آن با جنبش های توده های دموکراتیک گوناگون بطور درخشانی بروز میکند. سازمانهای سیاسی و سندیکائی پرولتاریا با تمام کسانی بطور فعال ابراز همبستگی میکنند که خواستار پایان دادن به میلیتاریزه کردن جامعه و سیاست تجاوز و جنگ، تحمیضات نژادی، نقض حقوق زنان، تخریب وضع زندگی نسل جوان، فساد، برخورد سبمانند انحصارها به بهره برداری از منابع طبیعی و محیط زیست میباشند. همکاری با قشرهای بسیار متنوع اهالی در اطراف این مسائل که جامعه بشری را بشدت نگران ساخته اند، به گسترش نفوذ کمونیست ها در میان توده ها باری میرساند.

همبستگی ضد امپریالیستی با خلقبانی که از یوغ استعمار رهایی یافته اند و در راه پیشرفت مستقل گام نهاده اند از عرصه های مهم زندگی بین المللی در دوران کنونی است. مبارزه کشورهای آزاد شده در راه استقلال اقتصادی و برابری حقوق خصلت و مقیاس کیفی تازه ای کسب کرده است، این مبارزه از چهارچوب کشورهای جداگانه هنگامی فراتر رفت که آنها خواست برقراری نظم و نسق اقتصادی بین المللی تازه ای را مطرح کردند. وجود وام خارجی هنگفت آنها ابرام این خواست را موکداً نمایان میسازد و حل این مسئله بدون دگرگون ساختن مناسبات اقتصادی بین المللی بر مبنای عادلانه، دموکراتیک و با برابری حقوق غیر ممکن است. نیازی بدین نیست که ما لزوم پشتیبانی جدی از مبارزه خلقهای "جهان سوم" از طرف طبقه کارگر بین المللی را با ثبات رسانیم. زیرا کشورهای در حال رشد برغم وجود اختلاف در سطح پیشرفت و تضاد سیاستشان (که اغلب با ناپیگیری همراه است) بطور کلی در مواضع ضد امپریالیستی و ضد استعماری قرار دارند. این خود به محدود ساختن نفوذ امپریالیسم و ایجاد شرایط بین المللی

مساعد برای اقدامات نیروهای مترقی و دموکراتیک کمک میکند.

کشورهای امپریالیستی مصراً میکوشند امکان کنترل کشورهای در حال رشد را برای خود تأمین کنند تا مانند گذشته منابع طبیعی آنها را مورد بهره برداری قرار دهند و از آنها بمنزله پایگاههای نظامی - سیاسی استفاده کنند. در واشنگتن سیاست نواستعماری و مبارزه علیه جنبش های رهایی بخش را جزئی از استراتژی کلی "نئوگلوبالیسم" (۱) بشمار میآورند که استفاده از اعمال زور و حتی بیکار بلا واسطه با رژیم های نامطلوب را مجاز میداند. گرناد و لبنان مورد تجاوز سستقیم آمریکا قرار گرفتند. جنگ اعلام نشده علیه نیکاراگوئه، افغانستان و آنگولا بدست مزدوران واشنگتن انجام میگردد که میخواهند دولتهای قانونی موجود آن کشورها را سرنگون کنند و به دگرگونیهای بنیادی مترقی پایان دهند.

جنبش همبستگی با خلقبانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند بسیاری از کشورهای جهان را فراگرفته است. طبقه گسترده ای از محافل سیاسی و اجتماعی که افکار دموکراتیک را رهنمود خود قرار داده اند در این جنبش شرکت دارند. کمونیست ها با شرکت در اقداماتی که بمنظور همبستگی بعمل میآید به ستگیری ضد امپریالیستی هر چه روشن تر آنها کمک میکنند.

مهمترین وظیفه تمام نیروهای مترقی در قرن ما که قرن هسته ای نام گرفته حفظ صلح و جلوگیری از امکان پیدایش درگیری هسته ای است، زیرا پس از چنین درگیری نه قالبی بقاقی خواهد ماند و نه مغلوبی. آیا این خود نمونه روشنی نیست که وظیفه حذف جنگ از زندگی اجتماعی را در واقع کمونیست ها که پیگیرترین مبارزان در راه صلح و امنیت تمام خلقها میباشند مطرح کرده اند. خطر برای صلح از امپریالیسم و در درجه اول از امپریالیسم آمریکا سرچشمه میگردد که ضمن دعوی سلطه بر جهان بحساب اینکه بر سوسیالیسم برتری نظامی باید تا بتواند اراده خود را به خلقها تحمیل کند، بمسابقه تسلیحاتی بی سابقه ای دست زده است. اگرچه ایمن حسابها بی پایه است ولسی سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا موجب تشدید جدی وخامت و تشنج بین المللی گردیده و مسابقه تسلیحاتی بی سابقه ای که آغاز کرده میتواند غیر قابل کنترل گردد. هیچوقت خطری که جامعه بشری را تهدید میکرد تا این اندازه مخوف نبوده است. در همین حال امکانات حفظ و تحکیم صلح و ایجاد ائتلاف خورد و عقل سلیمی که تمام نیروهای صلح دوست شماره را متحد کند نیز هیچوقت تا این اندازه به واقعیت نزدیک نبوده است.

۱- "نئوگلوبالیسم" اصطلاحی است که برای بیان سیاست امپریالیسم آمریکا بمنظور سلطه بر جهان و با اعمال نفوذ در سراسر دنیا بدستاویر دفاع از "منافع حیاتی آمریکا" بکار برده میشود. مترجم.

سوسیالیسم موجود هسته مرکزی چنین ائتلافی است و سرنوشت تمدن بشری بستگی بدان دارد. هنوز تمام کسانی که آینده صلح آمیز را گرامی میدانند به این حقیقت پی نبرده اند ولی این اندیشه بدون تردید توده های بیشتری را بخود جلب خواهد کرد. کمونیست ها هم با فعالیت هدفمند خود میتوانند به درک روزافزون نقش کشورهای سوسیالیستی بمنزله ضامن صلحی که میتواند خطر نابودی را از جامعه بشری دور سازد یاری رسانند. حزب کمونیست دانمارک در بیست و هفتمین کنگره خود (در سال ۱۹۸۳) موضع انترناسیونالیستی خود را بروشنی و بطور دقیق معین کرد: "ما پنهان نمیکنیم که در مبارزه جهانی میان سوسیالیسم و سرمایه داری انتخاب خود را کرده ایم. ما در سوسیالیسم موجود و قدرت اتحاد شوروی عامل قاطع و تعیین کننده حفظ صلح را می بینیم. ما میدانیم که امکانات جامعه بشری برای غلبه بر نیروهای جنگ و وابسته به موجودیت و قدرت اردوگاه سوسیالیستی است" (۱)

برنامه رهائی کره زمین از خطر سلاح هسته ای (و بنابراین از خطر نابودی) نه یک خواست و آرزو بلکه برنامه مشخص عمل برای دورانی از لحاظ تاریخی کوتاه یعنی تا سال ۲۰۰۰ است. در این برنامه تأمین امنیت برابر برای همگان در امر کاهش تسلیحات و خلع سلاح و از بین بردن کامل تمام انواع سلاحهای نابودی جمعی پیش بینی شده است. سوسیالیسم توانمند سیاست صلح دوستانه خود با امید و آرزوی تمام خلقها را بار دیگر نشان میدهد. نیروهای مترقی و دموکراتیک پشتیبانی از مشی صلح خواهانه سوسیالیسم را بعزت دفاع از منافع توده های انبوه مردم هدف خود قرار داده اند. کمونیست ها با گردآوردن و متحد ساختن زحمتکشان در اطراف برنامه رها ساختن کره زمین از بار تسلیحات، نجات تمدن و تأمین آینده صلح آمیز و بهتری برای جامعه بشری و قادی خود را به رسالت تاریخی خویش باثبات می رسانند.

مانورهای پلید رژیم پرتوریا

دین تلوه

معاون دبیرکل کنگره ملی آفریقا

آفریقای جنوبی

جنبش آزاد بیخش مردم ستمدیده صیبن رنج کشیده ما اینک دامنه همسایقای یافته است. مردم برهبری کنگره ملی آفریقا و متحدین آن یعنی حزب کمونیست آفریقای جنوبی و کنگره آفریقای جنوبی سند یکاها (۱) برای هجوم به رژیم صغیر آپارتاید بها خواسته اند تا حاکمیت را از دست نژاد پرستان بدر آورده آفریقای جنوبی واحد، دموکراتیک و فارغ از نژاد پرستی را بوجود آورند.

ما در راه آزادی ملی و تعیین سرنوشت مبارزه میکنیم. در زمینه وضع موجود کشور تعیین سرنوشت مقدم بر هر چیز بمعنی درهم شکستن دستگاه دولتی کنونی (که بر پایه حاکمیت اقلیت سفید پوست ایجاد شده)، نابودی آپارتاید و ایجاد چنان سیستم سیاسی است که در آن مسردم خود اداره امور کشور را بدست گیرند. هیچ نیروی و هیچ حبله و نیرنگی از طرف نژاد پرستان ما را از راهی که کنگره ملی آفریقا و متحدین آن برگزیده اند منحرف نخواهد کرد.

مردم ستمدیده آفریقای جنوبی بیش از نیم قرن با شیوه های مسالمت آمیز مبارزه میکردند. ولی با وجود خصلت مسالمت آمیز این اقدامات، حکام نژاد پرستی که یکی پس از دیگری زمام امور را در دست گرفتند همیشه بدون اندک تردید و تعللی علیه مردم به قوه قهریه و نیروی نظامی متوسل شده اند. گزینش مبارزه مسلحانه در اثر لزوم پاسخ تاریخی توده ها به سیاست ستم نژادی به ضرورت مبرم مبدل شد، زیرا این سیاست اکثریت آفریقائی ها را از حقوق انسانی و مدنی محروم کرده است. در سال ۱۹۶۵ به متمین اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در یکی از قطعنامه های خود حق لاینفک خلقهای ستمدیده را برای مبارزه در راه آزادی کشورهای خویش از وابستگی استعماری و تحقق عینی اصل تعیین سرنوشت تأیید و تشبیه کرد. هیچ دولتی نمیتوان قانونی بشمار آورد اگر اراده و خواست کسانی را که بر آنها حکومت میکند بحساب نیاورد و بسدان

۱- در سال ۱۹۵۵ ایجاد گردیده است. عملاً غیرقانونی است. هیئت تحریریه

بی‌اعتنائی کند. وقتی این اصل نقض میگردد، مردم حق دارند با استفاده از وسایل گوناگون و از جمله نیروی نظامی، چنین رژیمی را سرنگون سازند و سیستم عادلانه حاکمیت بوجود آورند.

آپارتاید برابری انسانها را کاملاً نفی میکند و اصل تمهین سرنوشت را زهری می‌گذارد. "قانون اساسی" که در آفریقای جنوبی به تصویب رسیده سیستم استعماری را برای اکثریتی که از تمام حقوق خود محروم شده قانونی میکند. سیستم سیاسی کشور در واقع مهابت از نوعی از انواع استعمار است که در آن ستلگران و ستکشان درون مرزهای یک کشور کنار هم زندگی میکنند. رژیم از هرگونه تحول و تغییر که بتواند واقعاً بوضع موجود پایان دهد مانند آتش می‌ترسد. ظاهراً دولت، دولت جمهوری است، ولی دموکراسی وجود ندارد. دستان و دبیرستان هست، ولی کودکان معلومات واقعی فراموش می‌کنند. بیمارستان هم هست، ولی وضع بهداشت و تندرستی مردم ستم‌پذیر و وحشتناک است. ثروت هست، ولی توزیع و تقسیم ثروت عادلانه نیست. دادگستری هم هست ولی قادر به جلوگیری از خودکامگی حکام نژاد پرست نمی‌باشد. سیستم همه گیر آپارتاید - حل و فصل دشواریهای فزاینده اقتصادی را غیرممکن می‌سازد، تضادهای اجتماعی - اقتصادی را که بخودی خود حاد است بفرنج تر و شدیدتر میکند و باعث افزایش بیگاری و تورم میشود.

در قرار مشترکی که چندی پیش از طرف کنگرس ملی آفریقا و کنگرس سندیکا های آفریقای جنوبی (۱) به تصویب رسید تأکید شده است که "حل و فصل مسائلی که کشور با آنها روبرو است استقرار سیستم حاکمیت اکثریت و ایجاد آفریقای جنوبی واحد، دموکراتیک و فارغ از تبعیض نژادی را ایجاب میکند". در شرایط ویژه کشور ما چنین سیستمی از آزادی اقتصادی جداش ناپذیر است. از مردم حق قانونی ثروت ملی را سلب کرده اند، زمین را از دست آنها بیرون آورده اند، مانع فعالیت خلاق آنها میشوند و نصیب مردم ما حالا فقر و تنگدستی است. برطرف ساختن بی عدالتی اقتصادی قرون پایه و اساس امیدها و آرزوی ملی ما را تشکیل میدهد. نه فقط مقاومت در برابر خود سیستم آپارتاید در مجموع، بلکه درک مشترک اینکه پیروزی چیزهایی بیش از دست یافتن به دموکراسی سیاسی ظاهری را دربر خواهد داشت مردم را متحد و یکپارچه میکند.

اکنون متنوع ترین نیروهای اجتماعی مبارزه پیوسته اند. آگاهی سیاسی مردم به سطح بسیار بالاتری ارتقا یافته است. طبقه کارگر نه فقط خواستار افزایش دستمزدها و بهبود شرایط

۱- کنگرس سندیکا های آفریقای جنوبی در سال ۱۹۸۵ ایجاد شده است، بزرگترین اتحاد پیوسته صنفی کارگران در آفریقای جنوبی است و بیش از نیم میلیون نفر را دربر می‌گیرد.

هیئت تحریریه

کار است، بلکه تغییر بنیادی سیستم اجتماعی - سیاسی موجود را هم طلب میکند. اهتمامهای چندی پیش در رشته های گوناگون صنایع که سراسر کشور را فراگرفت نمونه ای از مبارزه در راه این خواستها است. زحمتکشان خواستهای گسترده سیاسی را مطرح کردند که خارج کردن ارتش نژاد پرستان از حومه شهرهایی که محل سکونت آفریقایی ها است از جمله آنها بود. این فقط گواهی رشد آگاهی مردم و گذار مبارزه ما به مرحله کیفی تازه ای نیست. طبقه کارگر برهبری کنگرس سندیکا های آفریقای جنوبی و کنگرس آفریقای جنوبی سندیکاها برای نبرد نهایی علیه رژیم آپارتاید بها می‌خیزد. تظاهرات کنندگان زیر پرچم های حزب کمونیست آفریقای جنوبی و کنگرس ملی آفریقا به تظاهرات می‌پردازند.

موج نیرومند بهسابقه مقاومت جمعی پایه های رژیم آپارتاید را بلرزده در آورده است. دولت که میدانند این موج را با تضییق و پیگرد تنها نمیتوان خاموش کرد به مانورهای تازه ای متوسل میشود. ب. بوتای اعلام کرد که آفریقای جنوبی گویا از مرحله "نظریه کهنه آپارتاید" گامی فراتر نهاده است. انقراض اصطلاح حکومت نظامی که سال گذشته در بسیاری از مناطق کشور برقرار شده بود نیز با جار و جنجال تبلیغاتی زیادی همراه بود. ولی آنرا فقط روی کاغذ "ملغی" کرده اند، زیرا پلیس و ارتش بهمان مقیاس و با همان شیوه های خونین هرگونه تظاهرات ضد - دولتی را سرکوب میکند و حومه شهرهایی را که محل سکونت آفریقاییها است در اشغال خود دارند. ل. لوگرنژ وزیر قانون و انتظامات وده داد که در آینده خیلی نزدیک اصلاحات تازه ای در "قانون امنیت" گذاشی وارد خواهد کرد که بنظر ما رژیم تروریستی قانونی را خشن تر خواهد نمود. به عبارت دیگر حکام نژاد پرست درحالیکه در واقع امر شیوه های اعمال زور و تروریستی حاکمیت خود را حفظ کرده اند به مانوری هم دست میزنند (۱).

اعتدالی پرتوان جنبش آزاد بیخشنه فقط در ساختارهای داخلی بلکه در سیاست خارجی سیستم آپارتاید هم موجب بحران عمیقی شد و قشر بالایی حاکمیت را واداشت در "دکترین دفاعی" گذاشی خود تجدید نظر کند.

نظریه "حمله همگانی سراسری" و "استراتژی سراسری" که پرتویها به زرادخانه خود افزودند برای نخستین بار در "کتاب سفید" ویژه مسائل دفاعی فرمول بندی شد. حکم عمده و اصلی این نظریه چنین است: به عقیده تدوین کنندگان نظریه انتهای جنوبی آفریقا (نهمین و نهم)

۱- درباره اصطلاح رفورم های نژاد پرستان مشروح تر رجوع کنید به مقاله "مانورها نژاد پرستان را نجات نمیدهند" مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" شماره ۱۲ سال ۱۹۸۴ و "طوفان بر فراز آفریقای جنوبی" مجله "مسائل بین المللی" شماره ۱ سال ۱۳۶۵.

هدف عمده " تعرض کمونیسم جهانی است که از سکو رهبری میشود ". از اینجا اینطور نتیجه میگرفتند که کشورهای منطقه گنبا، باید تحت سرپرستی پرتوریا برای مقابله با " تعرض از خارج " متحد شوند. ولی طرفداران " استراتژی سراسری " که تز مبتذل و تهوع آور " خطر ششوروی " برایشان پیراهن عثمان شده است در نیات سیاست خارجی خود مفهوم کاملاً معینی را داخل کرده اند، صحبت بر سر آغاز چنان مشی بود که بتواند برای چندین سال آینده بقای نژاد پرتی را در شرایط احتمالی روزافزون جنبش های آزاد بیخوش در جنوب آفریقا و بخش های دیگر قاره تأمین کند.

چهره اصلی " نوسازی " مشی سیاست خارجی پ. بوتنا رئیس جمهوری جمهوری آفریقای جنوبی است که شهرت خود را مدیون کینه و نفرت نسبت به جنبش آزاد بیخوش آفریقای جنوبی میباشد جنگ اعلام نشده علیه آنگولا در دوران ریاست او مقیاس بیسابقه ای یافت و سوزنا میسک و سایر کشورهای منطقه ما مورد تجاوز مداوم نظامیان آفریقای جنوبی قرار گرفتند. موضع گیری جمهوری آفریقای جنوبی در مسئله اشغال غیرقانونی نامیبیا بیش از اندازه خشن و بدون گذشت گردید. طی تقریباً ده سال حاکمیت پ. بوتنا روی تمام اقدامات نظامی - سیاسی نژاد پرستان " مهر و نشان شخصی " لیدرشان بچشم میخورد.

اگر پوسته تبلیغاتی نظریه " استراتژی سراسری " را بدور افکنده و ماهیت آنرا فاش سازیم مشاهده منطقی معینی در آن دشوار نخواهد بود.

اولاً، حکام نژاد پرست پرتوریا هنگام تهیه و تدوین این مشی متوجه بودند که بعید بنظر میرسد از طرف کشورهای آفریقای مستقل همسایه خطری متوجه آفریقای جنوبی که از لحاظ اقتصادی و نظامی بسیار نیرومندتر است بشود. در شرایطی که آتش جنگ در کشور هرچه بیشتر شعله ور میگردد و در یکطرف جنبه نیروهای آزاد بیخوش و در طرف دیگر دولت نژاد پرست قرار دارند خطری که متوجه رژیم است کاملاً داخلی خواهد بود.

ثانیاً، از آنجا که نه جنبه خارجی، بلکه در واقع جنبه داخلی دارای اهمیت قاطع و تعیین کننده بود، گردانندگان رژیم به تلاشهای پرتب و تاب برای گسترش زمینه اجتماعی خود دست زدند و اصلاحاتی پس از اصلاحات دیگر اعلام کردند، اگرچه طبعاً هیچیک از آنها ماهیت آپارتاید را تغییر نمیداد.

ثالثاً، نژاد پرستان برای آنکه دست خود را در امور داخلی کشور باز بگذارند مجبور بودند در نظر همسایگان خود یعنی کشورهای مستقل آفریقای چهره خویش را که داغ ننگ آپارتاید آنرا از نظرها انداخته بود تا اندازه ای پاک کنند. رژیم با اعلام خط مشی " تازه " میکوشد در همین حال

نظر بی اندازه منفی جهانیان نسبت بخود را تغییر دهد.

بنابه تعریف خود پ. بوتنا و طراحان استراتژی او، این مشی سیاست خارجی منطقه ای باصلاح روی " سه نهنگ " استوار است: تلاش برای متعادل ساختن کشورهای آفریقای برای همکاری با حکام نژاد پرست و یا مجبور کردن آنها به انعقاد قرارداد اتحاد با آنان؛ مانعیت از اشتراك مجامع بین المللی در حل و فصل مسائل منطقه ای (ر. بوتنا وزیر امور خارجه رژیم نژاد پرست هم که اخیراً به یافتن راه حل های کاملاً منطقه ای برای این مسائل فرامیخواند همینطور اظهار نظر کرد)؛ جلوگیری از قطع روابط اقتصادی کشورهای آفریقای و در درجه اول کشورهای جنوب قاره با آفریقای جنوبی و یا حداقل به تعویق انداختن آن.

با جمع بندی آنچه گفته شد میخواهم جهات اساسی و اولویت های سیاست رژیم آپارتاید در امور آفریقا را نشان بدهم. این سیاست از یکسو بر پایه وسوسه و فریب و کوشش بسری تعلق گویی از کشورهای منطقه بی ریزی شده و از سوی دیگر بر اعمال قهر و خشونت استوار است. علاوه بر این دیده میشود که نژاد پرستان تلاش میکنند جنوب آفریقا را عرصه عمده توسعه طلبی سیاست خارجی خود سازند و بدین منظور است که در ارتباط با کشورهای همسایه بانواع بسیار زهادتگردهای قهرآمیز و نواستعماری " استراتژی همگانی و سراسری " متوسل میشوند.

پرزیدنت پ. بوتنا ضمن تشریح بر سرور صدای مشی سیاست خارجی خود تأکید میکند که گویا پرتوریا در مراعات " بیطرفی " نسبت به شرق و غرب ذینفع است، منطقه آفریقای جنوبی در مرکز توجه آن قرار دارد و پرتوریا در این اندیشه است که " همبستگی " این بخش از قاره را بسط و تکامل بخشد زیرا پایه همکاری کشورهای همسایه در عرصه های مهم حیاتی است. بوتنا در سال ۱۹۷۹ ضمن سخنان خود در پارلمان رژیم خود را نه بیش و نه کم بعنوان بنیانگذار دوران همکاری نزدیک چهل میلیون انسانهایی که در جنوب رود های کوننه و زامبزی بسر میبرند ترسیم نمود. او همانوقت در کنفرانس نمایندگان دولت و بیزنس کلان در مرکز کارلتون (ژوهانسبورگ) از ترتیب دادن دیدارهای رسمی و منظم سران کشورهای منطقه بمنظور یافتن موضع مشترک در مسائل " برقراری صلح و دست یافتن به شکوفائی " دم میزد. علاوه بر اینها سرکرده نژاد پرستان اندیشه ایجاد " منظومه کشورهای جنوب آفریقا " - Constellation of Southern African States) یا کنساس را هم پیش کشیده است.

درباره این " منظومه " بهتر است کمی مشروح تر صحبت کنیم زیرا ماهیت توسعه طلبانه و نواستعماری نقشه های رژیم آپارتاید در جنوب آفریقا را بقدر کفایت و آشکارا نشان می دهد. پروسه تشکیل کنساس طبق نیات نژاد پرستان میباشد سه مرحله را بگذراند. در نظر گرفته شده

بود که در مرحله نخست " هسته منظومه" ایجاد گردد و آفریقای جنوبی، کشورهای که بلا واسطه همسایه آن هستند (باستثنای آنگولا و موزامبیک) " باتوستانهای مستقل" و شاید هم ملاوی در آن داخل گردند. نقشه چنین بود که در مرحله بعدی ترکیب شرکت کنندگان در اتحاد میان کشورهای آفریقا گسترش داده شده و در سومین و آخرین مرحله زیمبابو هم بدان جلب شود. کنساس بحقیقه نژاد پرستان در درجه اول بمنزله بلوک " کشورهای ضد مارکسیسم" برهبری پرتوریا است. هدف هم علاوه بر محاصره آنگولا و موزامبیک و سایر کشورهای " خط مقدم جبهه" با حلقه ای از دشمنان و واداشتن تمام کشورهای منطقه بدوری جستن از مشی سیاست خارجی مستقل، احیای همان " سد و مانعی" در سر راه جنبش آزاد بیخش در جنوب قاره است که پیش از فروپاشی امپراطوری استعماری پرتغال وجود داشت.

در تحقق نقشه های سرهم بندی کردن کنساس در آنگونگام امید ویژه ای به جریان رویدادها در زیمبابوه بسته بودند، زیرا در آنجا نژاد پرستان همگام با امپریالیستها تلاش میکردند دست نشاندۀ خود موزومبو را به حاکمیت برسانند. حل و فصل نو استعماری مسائل زیمبابوه در ضمن میباید راه را برای حل مسائل در نامیبیا بهمین شیوه هموار سازد. بطوریکه می بینیم پرتوریا در تلاش برای سرو سامان دادن به اوضاع منطقه ما بدخواه خود نقشه دقیقسی کشیده بود. در همین حال دیده میشود که طراحان استراتژی نژاد پرستان با آنچه فرور و نخوت خود بطور آشکار فاقد حسن واقع بینی بودند.

پیروزی مردم زیمبابوه در سال ۱۹۸۰ ضربه شدیدی به نیات و مقاصد نژاد پرستان وارد آورد. در نیمه اول دهه اخیر همکاری کشورهای مستقل آفریقای بریایه ضد امپریالیستی و ضد آپارتاید پیگیر بحیزان چشمگیری تعمیق یافت. ایجاد کنفرانس ویژه هم آهنگی پیشرفت کشورهای جنوب آفریقا که هدفش تعمیق همکاری منطقه ای برای دستیابی به استقلال اقتصادی کشورهای شرکت کننده و مقابله با نو استعمار است به طرح کنساس ضربه هلاکتباری وارد ساخت.

موفقیت های نیروهای آزاد بیخش ملی در منطقه و بحران آپارتاید درون کشور بیم و هراس نژاد پرستان را از آینده و سرنوشت رژیم بشدت افزایش داده است. هر قدر وضع در جنوب آفریقا برای آنان " نامساعدتر" میشد بهمین اندازه سمت تنابیل و کشش سیاست خارجی پرتوریا واضح تر میگردد. روی کار آمدن دولت ریگان در واشنگتن و اعلام سیاست با اصطلاح " همکاری سازنده" دست آنها را در استفاده از نیروی قهریه کاملاً باز کرده است؛ اوایل سال های ۸۰ تجاوز ارتش نژاد پرستان بمقیاس وسیع به آنگولا، تعرض های بی دریغ علیه موزامبیک و کوشش بمنظور واژگون ساختن دولت جمهوری جزایر سیشل انجام گرفت.

گروههای اشرار مزدوری که از پرتوریا بتازگی اسلحه دریافت داشته اند در آنگولا، موزامبیک و لیسوتو فعالیت خود را تشدید کرده اند. فعال نژاد پرستان در کشورهای همسایه بیک سلسله قتل های سیاسی دست زدند، اعضای کنگره ملی آفریقا هم همانند شخصیت های برجسته مبارزه آزاد بیخش ما از قربانیان آنان بودند.

در آن دوران پرتوریا به تخریب واحد های اقتصادی و انزواستروکتور کشورهای نواستقلال دل بسته بود. این واقعیت توجه انسان را بخود جلب میکند. عملیات تخریبی، در درجه اول، در شبکه راه آهن و در بنادر و نیروگاههای برق انجام میگرفت. سرمازان جمهوری آفریقای جنوبی به مؤسسات صنعتی حومه شهر ماپوتو ماتولو هم حمله کردند. خساراتی که در نتیجه تجاوز آفریقای جنوبی طی پنج سال اخیر به کشورهای " خط مقدم جبهه" وارد آمده به ۱۰ میلیارد دلار بالغ میگردد. ما با نقشه بی ثبات کردن اقتصاد، فلج ساختن زندگی کشورهای مستقل و واداشتن آنها به پیروی از خواست و اراده آنکه نیرومند تر است روبرو هستیم. این استراتژی هر چه بیشتر خصلت گزینش کشورهای با حساب معینی را بخود میگیرد. اگر چه ارگانهای " امنیتی" پرتوریا و دست نشاندهان محلی آنها به تخریب و سابوتاژ دامنه داری علیه تمام کشورهای منطقه ما دست زدند، از همان آغاز توجه ویژه ای به موزامبیک، آنگولا و همچنین لیسوتو میدول میشد.

رویداد های اخیر در این کشور کوچک که در اراضی آفریقای جنوبی محصور است نشان داد که نژاد پرستان، اگر دیگر شیوه ها نتایج مطلوب را برایشان بهار نیاورد، همیشه برای توسل به قوه قهریه آماده هستند.

بطوریکه واقعات دوران اخیر نشان میدهند، حتی پس از آنکه پرتوریا در اواسط سال های ۸۰ با برخی از همسایگانش موافقت نامه هایی با مضامین رسانید، فشار نژاد پرستان بر کشورهای مستقل جنوب آفریقا کاهش نیافت. معلوم شد که رژیم آپارتاید خیال ندارد تعهداتی را که بعهده گرفته انجام دهد و انعقاد موافقت نامه ها برای یک بازی سیاسی نوبت بود و است که ضرورت نشان دادن ظاهری موقر و قابل احترام برای آن ایجاد میگردد است. پرتوریا از آنها بمنزله پرده استتاری برای ادامه مشی سیاست خارجی توسعه طلبانه و مخرب بهره برداری می کند. نژاد پرستان یک لحظه هم از آماده ساختن دسته های خرابکار از با اصطلاح " مقاومت ملی موزامبیک" که به جنایات خونینی علیه مردم موزامبیک دست میزنند و از دادن اسلحه و مهمات بدانها خود داری نکرده اند. ارتش آفریقای جنوبی به اشغال مناطق وسیعی از اراضی آنگولا ادامه میدهد و عملیات گروه بندی ضد خلقی اونیتا را که سابقه تروریست معروف سرپرستی آنسرا بعهده دارد رهبری میکند. در پرتوریا مایلند گرد این سازمانهای دست نشانده جنایتکار هاله

اپوزیسیون سیاسی قانونی بوجود آورند .

گردانندگان رژیم آفریقای جنوبی به شگرد های مختلف دیپلماسی متوسل میشوند تا نوعی "ظاهر صلح و دوستانه" و "دموکراتیک" به رژیم بد دهند که ماهیت اصلی نژاد پرستانه و امپریالیستی آنها مستور نگهدارد و بدین ترتیب بدان کمک کند تا از انزوای بین‌المللی برون آید . به همین سبب برای هر تماس تازه با کشورهای آفریقائی ارج فراوانی قائلند . بطورمثال فاکت انجام مذاکرات با کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا بمنزله پیروزی سیاسی مهمی عرضه میشود . کنگره ملی آفریقا این مشی مزبورانه را که در ارتباط با کشورهای مستقل قاره مورد استفاده قرار میگیرد بطوریکمراقتشاه میکند .

نژاد پرستان با انواع حیل و ترفند میخواهند جنبش آزاد بخش را در تمام منطقه جنوب آفریقا منزوی سازند . آنها خیال دارند کشورهای آن منطقه را در اقداماتی شرکت بدهند که علیه کنگره ملی آفریقا انجام میگیرد ، در صفوف کشورهای "خط مقدم جبهه" تفرقه و بی‌نظمی بوجود آورند تا بدین ترتیب وحدت و مبارزه مشترک آنها را تضعیف نمایند . و بالاخره باید گفت مشی که کنفرانس ویژه هم آهنگی پیشرفت اقتصادی برگزیده و تجسم همکاری کشورهای آزاد شصده برپایه برابری حقوق است مطلوب و موردپسند پرتوریا نیست . رژیم آپارتاید هنوز هم امیداحیای نقشه سرهم بندی کردن کنساس را از دست نداده است .

در زمینه آنچه گفته شد این واقعیت کسی را متعجب نمیکند که سیاستمداران و طراحان استراتژی نژاد پرستان بدون پرده پوشی و با صراحت بما اینطور می‌فهمانند که آنچه مطلوب آفریقای جنوبی است فقط نقش یک "ابرقدرت کوچک" و داور و واسطه در امور منطقه است . اگر چنین موقعیتی برای آن ازطرف یکی از همسایه‌ها برسمیت شناخته شود گردانندگان رژیم به آنهم قانع نشده و نقش همون بمقیاس قاره را دعوی میکنند . تاکنون چندتن از شخصیت های کشور نژاد پرستان این قبیله اندیشه ها را بطور سرهمسته بحیث آورده اند . هرقد رهم که پرتوریا بکوشد حالا خود را حتی مدافع "امنیت داخلی" سایر کشورها هم قلمداد کند و با بلپاس "مبارزه صلح" درآید باز دیپلماسی منطقه ای آن وسیله ظریف و دقیق برای تحقق نقشه های توسعه طلبانهاش میباشد .

این را بویژه باید یادآور شویم که جنبش ما در کشاندن کشورهای آفریقا به تحریکات سیاسی نژاد پرستان که پ . پ . بوتواتا "امپریالیسم دامن میزند نینفع نیست . کنگره ملی آفریقا قصد آنها ندارد که برای دسایس تجاوزکارانه علیه کشورهای "خط مقدم جبهه" با آنها بیانه ای بدهد بویژه که رژیم آپارتاید مایل است مسئولیت بحران داخلی در جنوب آفریقا را بگردن آنها بیاندازد .

درعین حال ما معتقدیم که هیچیک از کشورهای "خط مقدم جبهه" ، و بهین ترتیب هیچیک از کشورهای آفریقا تاوقتیکه این رژیم تجاوزکار ضد انسانی در قاره وجود دارد ، در امنیت نخواهد بود فقط نابودی کامل و نهائی آپارتاید پاسخگوی منافع تمام خلقها و صلح در روی زمین است .

مخالف حاکمه آفریقای جنوبی در جریان پیروی از مشی بی‌ثبات کردن کشورهای همسایه از لحاظ سیاسی و اقتصادی و در آخرین تحلیل ، در تلاش برای سرنگون ساختن دولت های مستقل ضد امپریالیستی ، همواره به پشتیبانی ایالات متحده آمریکا متکی بوده اند و با در شرایط سکوت موافقت آمیز و با تأیید آشکار واشنگتن عمل کرده اند .

دولت ریگان که "جنگ صلیبی" علیه کمونیسم اعلام کرده است از هر آنچه در جهت تلاش برای تثبیت همزمنی نژاد پرستان در جنوب آفریقا است ، بدون انحراف بسود پرتوریا پشتیبانی بعمل میآورد و از ترفیب آن در مشی تجاوزکارانه اش نسبت به همسایگان فروگذار نمیکند . هدف ایالات متحد آمریکا حفظ رژیم نژاد پرست بمنزله نقطه اتکا "امپریالیسم" در قاره است . درباره این موضوع ، البته ، آشکارا چیزی نمی‌گویند ، در عوض تبلیغات آمریکا برای ضحرف ساختن افکار عمومی افسانه "خصلت توسعه طلبانه کمونیسم جهانی" و شایعات ساختگی درباره "شرکت اتحاد شوروی در درگیری آنگولا" را بزرگ و بزرگتر میکند . واشنگتن بکمک این قبیله جمعلیات میخواهد انظار جهانیان را از مقصرین اصلی وضع انفجاری در جنوب آفریقا ضحرف سازد . برخی از مطبوعات آفریقا که درباره انگیزه های این مشی واشنگتن مطالبی می‌نویسند بصراحت نشان میدهند که بحران آپارتاید میتواند منافع آمریکا را در سراسر منطقه بخطر اندازد .

کلخ سفید مشی خود را در ارتباط با رژیم آپارتاید سیاست "همکاری سازنده" می‌نامد . ولی ، عملاً صحبت برسر اتحاد میان امپریالیسم آمریکا و نژاد پرستان است که زیاد هم استتار نشده است . یعنی مانند همسر لیدر ما نلسون مانند که تقریباً ربع قرن است در زندانهای آفریقای جنوبی در زجر و عذاب بسر می‌برد دولت ریگان و دولت انگلستان را هم "جنایتکاران" و "دستپاران" نژاد پرستان نامید . این زن دلاور و مبارز راه آزادی خلق خود اظهار داشت " هر روز خون فرزندان ما بزمین می‌ریزد . در ضمن ریگان و تاجر هنوز هم خود را دوستان سگه سیاه پوست می‌نامند ، اگرچه عملاً آنها دوستان نژاد پرستان هستند " .

سیاستمداران واشنگتن اظهار میکنند که اینک ما با پروسه "ملایم تر شدن" آپارتاید روبرو هستیم . در مطبوعات امپریالیستی بارها این اندیشه با زتاب یافت که گویا دوری جستن پرتوریا از "نژاد پرستی" کلاسیک رفته رفته خود را نشان میدهد . ولی عملاً تعقیب و پیگرد سبعانسه مبارزان راه آزادی در کشور ادامه دارد . فقط طی سال گذشته ۲۵ هزار نفر بعلت اشتراک در

تظاهرات ضد آپارتاید مورد پیگرد قرار گرفتند. بیش از هزار و صد تن از مبارزان بوسیله ارگانهای سرکوبگر کشته شده اند. با توجه به آنچه گفته شد معلوم میشود اظهارات عوامفریبانه دربارۀ "ملایم تر شدن" آپارتاید سراپا جعلی است.

درست است که در واشنگتن در حرف آپارتاید را محکوم میکنند و حتی از ضرورت بازنگری در این سیستم سیاسی نفرت انگیز صحبت میشود. چندی پیش ایالات متحده آمریکا به مجازات اقتصادی باصطلاح "محدود" پرتوریا دست زد که گویا بمنزله وسیله اعمال فشار علیه آنست و هدف هم واداشتن آن به پیروی از سیاست داخلی "بشردستانه" میباشد. برای اینکه بدانیم مجازات "بشیوه آمریکائی" عملاً بچه معنی است يك نمونه را شاهد میآوریم: رئیس جمهوری آمریکا واگذاری وام بانکی بدولت آفریقای جنوبی را قذف کرد. ولی بعداً معلوم شد وامی که به دولت نژاد پرستان از این طریق داده میشود فقط ۷/۱ درصد جمع مبلغی است که آمریکا به جمهوری آفریقای جنوبی وام میدهد. درعوض مجموع اعتباراتی که از کمپانی های خصوصی دریافت میکند از ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ به ۳/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است.

در نیمه اول سال گذشته هم واردات آفریقای جنوبی از ایالات متحده آمریکا اندکی کاهش یافت. ولی حتی درحالت "کاسته شده" هم تقریباً يك میلیارد دلار بود. درباره صادرات آمریکا باید گفت نه فقط کاهش نفاخته، بلکه بیش از ۲۰۰ میلیون دلار افزایش نشان میدهد.

سایر "مجازات های" کاخ سفید علیه پرتوریا هم همین اندازه دوپهلواست. در پیس پرده این قبیل "تدابیر" شرکت های ترانس ناسیونال خارجی، از جمله آمریکائی، که در آفریقای جنوبی ریشه های عمیق دارند و از استثمار خلق ما مملو دارند، خود را در شرایط متنازی احساس میکنند. همان دولت های محلی و کمپانیهای خارجی در حفظ منافع سیاسی یکی و سود معاملاتی دیگری همکاری نزدیک برقرار شده است. این واقعیت را زسر پوشیدنی نیست که انحصارهای خارجی که در آفریقای جنوبی و نامیبیا که از طرف آن اشغال شده فعالیت میکنند دارای دستگاه پلیس ویژه خود هستند که در ارتباط نزدیک با ارتش و پلیس نژاد پرستان عمل میکند. مثل این است که شرکت ها با سیستم سیاسی رژیم آپارتاید بهم پیوسته اند. آنها هم از شرکای مستقیم جنايات خونبار رژیم در کشور هستند و مشی تجاوزکارانه پرتوریا را که علیه همسایگان آنست مورد پشتیبانی قرار میدهند.

پشتیبانی ارتجاع بین المللی هنوز مدت زمانی میتواند ورشکستگی و سقوط نهائی رژیم آپارتاید را به تعویق اندازد. ولی هیچکس قادر نیست جریان تاریخ را متوقف سازد. به همین سبب

تلاشهای نژاد پرستان و محافل ارتجاعی خارجی در این راه که بکلی نمرنگهای گوناگون، دروغ، "سلاح برخ کشیدن ها" و اقدامات تجاوزکارانه مبارزه انقلابی را متوقف سازند کاملاً بیبوده است. نقشه های آنان در آخرین تحلیل در برابر عزم راسخ مردم ستمدیده ما برای رهائی کشور و همین خود و تمام جامعه بشری از شر سیستم جنایتکار آپارتاید، ناگزیر و عقیم خواهد ماند.

ما در راه دستیابی به این هدف والا و بشردستانه به همبستگی تمام نیروهای مترقی، آزاد پخواه و دموکراتیک سراسر کره زمین متکی هستیم. کنگره ملی آفریقا برای پشتیبانی جدی کشورهای "خط مقدم جبهه" و سایر کشورهای جنوب آفریقا و سازمان وحدت آفریقا بطور کلی ارج فراوان قائل است. جامعه کشورهای سوسیالیستی هم بطور پیگیر از مبارزان علیه آپارتاید پشتیبانی بعمل میآورد. بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی هم این را بطسور درخشانی نشان داد. از تریبون این کنگره بار دیگر صدای پرتوان مردم شوروی، این مدافعان قاطع و استوار تمام ستمدیدگان، طنین انداز گردید. محافل گسترده جوامع دموکراتیک و توده های زحمتکش کشورهای سرمایه داری هم از مردم آفریقای جنوبی حمایت میکنند.

کنگره ملی آفریقا و متحدین آن در لحظه ای بحرانی برای آفریقای جنوبی مبارزه علیه حاکمیت منفور نژاد پرستان را تشدید میکنند. در این هنگام ما بار دیگر پشتیبانی خود را از اهالی نیکارا گوئه و فلسطینی ها اعلام میکنیم و با خشم و نفرت اقدامات ایالات متحده آمریکا را که به تجاوز مستقیم علیه لیبی مستقل دست زده محکوم میسازیم. جنبش ما سهم خود را در مبارزه مشترک در راه تأمین صلح و امنیت در روی زمین و تجسم عملی اصولی که ارتجاع بین المللی و رژیم آپارتاید (که یکی از واحدهای آنست) زهر با نهاده اندادا میکند.

تبدیل جبهه به سازمان بیان کننده منافع بنیادی آنها است. برای رسیدن به این مقصود ما می‌کوشیم بقدر امکان به مردم نزدیک تر باشیم و در همه جا، حتی در روستاهای کوچک شعبه‌های جبهه را بوجود آوریم.

بالا بردن سطح آگاهی و فعالیت اجتماعی زنان یکی دیگر از جهات فعالیت جبهه است. سطح آگاهی و فعالیت اجتماعی زنان در سریلانکا بطور کلی هنوز خیلی پایین است. ولی برخلاف یک سلسله از کشورهای آسیای و به‌ویژه کشورهای اسلامی نقش عمده را در سریلانکا جزئیات و احکام خشک و عهد عتیق یعنی درباره مقام زن در جامعه ایفا نمیکنند. در واقع زنان کشور ما جمعاً از این قبیل قیود و در پرتو سطح بالای باسوادی که پس از تصویب قانون لزوم تحصیل آزاد و رایگان برای تمام زنان در سال ۱۹۴۸ بدست آمده است، آزادند. سطح نازل فعالیت اجتماعی آنان را در حقیقت باید نتیجه وضع نابرابر حقوقی عموم زنان دانست که به کم بهادان به نقش و امکانات خودشان منجر میگردد.

دختران در مقایسه با پسران برای ادامه تحصیل، پس از گذراندن دبستان، شانس کمتری دارند، بدین سبب که آنها را، معمولاً زود بشوهر میدهند، دستمزد زنان خیلی کمتر از مردان است و تفاوت‌های دیگری هم وجود دارد. تمام اینها نمیتواند در خود آگاهی زنسان بی‌تأثیر باشد. بهمین جهت ما ضمن مبارزه شدید در راه برابری حقوق زنان با مردان، در زندگی اجتماعی و اقتصادی، در عین حال برای آنها توضیح میدهم که قادرند چه نقشی در جامعه ایفا کنند و شرح می‌دهیم که سازمانهای مترقی زنان در سایر کشورها چه تدابیری اتخاذ میکنند و چگونه عمل میکنند. طی تقریباً چهل سال موجودیت خود، جبهه توانست نظر هزاران زن سریلانکایی را تغییر دهد.

اینک حادثه‌ترین مسائلی که زحمتکشان کشور و مقدم بر همه زنان با آنها روبرو هستند، تعیین کننده وظایف ما میباشند. وضع کنونی کشور ما نتیجه سیاست "اقتصاد باز" و تشدید فعالیت سرمایه خصوصی است و نزدیک به ده سال است که دولت حزب ملی متحد که حزب حاکم است چنین سیاستی را در پیش گرفته است. تشدیدگرانی، بیکاری و فقر توده‌های مردم کسبه بی‌آمدین سیاست است، برای استثمار فوق‌العاده زنان شرایط فراهم میآورند. در ضابط با اصطلاح "بازگانی آزاد" که دولت برای جلب سرمایه خارجی ایجاد کرده، کارفرمایان بطور عمده دختران و زنان جوان از ۱۸ تا ۲۵ سال را استخدام میکنند. در مقابل دستمزد ناچیزی که به زنان کارگر داده میشود، آنها مجبورند با هرگونه شرایط کاری موافقت کنند، زیرا بایستد به خانواده خود یاری رسانند تا هرطور شده بزندگی بخور و نصیب ادامه دهند.

برای اینکه زنان به نیروی خود اطمینان پیدا کنند

کمونیست‌ها یکی از مهمترین وظایف خود را کار و فعالیت در سازمانهای توده‌ای دموکراتیک و جلب آنها به مبارزه در راه صلح و ترقی اجتماعی میدانند. بنابراین خواهش هیئت تحریریه مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" مانوری مؤتئوگاما عضو حزب کمونیست سریلانکا و دبیرکل جبهه زنان آن کشور تجربه‌های چندین کار و فعالیت را در اختیار خوانندگان مجله میگذارد.

× × ×

جبهه زنان سریلانکا در سال ۱۹۴۸ ایجاد شد. این جبهه از نزدیک با حزب کمونیست همکاری میکند، ولی بهیچوجه بخشی از آن بشمار نمآید، زیرا برای خود یک سازمان اجتماعی مستقل است.

هنگام ایجاد جبهه ما این را در نظر گرفتیم که مسائل و مشکلاتی که زنان کشور ما با آنها برخورد میکنند، بطور کامل فقط در چهارچوب تجدید ساختمان عمیق تمام جامعه نمیتواند حل شوند. بهمین سبب وظیفه‌ای که برای سازمان معین شد این بود که ضمن بسیج زنسان سریلانکا برای بیکار در راه حقوق و منافع خود آنها را به مبارزه همگانی مردم برای بدست آوردن استقلال، دموکراسی، دگرگونی‌های بنیادی مترقی و بهبود شرایط زندگی مردم جلب کند. جبهه ما بطور پیگیر در این جهت فعالیت میکند.

ما کوشش میکنیم تمام زنان رنجبری را که دارای حرفه‌ها و مشاغل بسیار مختلف هستند و به طبقات گوناگون رنجبران و سایر قشرها تعلق دارند در چهارچوب جبهه متحد سازماندهی کنیم. عضویت در جبهه مشروط به منشاء اجتماعی، معتقدات مذهبی و سطح معلومات و غیره نیست. آنچه برای ما حائز اهمیت است تأمین بهترین امکانات برای دیدار، تجمع و معاشرت زنان و

محافل حاکمه به انواع وسائل استثمار فوق‌العاده زنان را تشدید و ترفیب میکنند. آنها حتی کوشیدند مناطق "بازرگانی آزاد" را از عرصه نفوذ و تأثیر قانون کار خارج کنند تا هیچ چیز مانع خودکامگی THK (۱) نشود. دولت میزان اعتبارات ویژه کالا‌های مورد نیاز اولیه را بشدت کاهش داده، کمک‌های بهداشتی و سیستم آموزش رایگان را در سطح معینی ثابت نگه‌داشته و در همین حال به زحمتکشان اینطور تلقین میشود که این خود آنها هستند که باید راهی برای بهبود کردن پول و بهبود وضع زندگی خود بیابند، زیرا گویا "همه چیز وابسته بخودشان است". در نتیجه بسیاری از زنان که در بن بست قرار میگیرند به فحشاء کشانده میشوند. شاید چنین پریشانی مطرح شود که واکنش دولت در این مورد چگونه است؟ معلوم است که دولت هیچ واکنشی نشان نمیدهد. دولت در حرف با فحشاء مبارزه میکند ولی عملاً بدان دامن میزند و حسابش هم اینست که بدین ترتیب تورپست‌های هرچه بیشتری را، مقدم بر همه از ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی، جلب کند.

بهمین سبب اکنون وظیفه دفاع از حقوق اجتماعی زنان جدی‌تر از هر وقت دیگر در مقابل ما است. ما کوشش میکنیم که زنان در برابر کار مساوی دستمزد و حقوق برابری با مردان در یافت کنند و طلب میکنیم که کار در شب برای زنان که وسیله دولت قدغن شده بود کاملاً ممنوع گردد. درباره مسئله مناسبات مربوط به کار در مناطق "بازرگانی آزاد" جنبه علیه دولت به نبرد واقعی دست زد. وقتی دولت خواست مناسبات مربوط به کار را از دایره تأثیر قوانین عمومی ملی خارج کند ما از طریق دادگاه‌های ویژه قانون اساسی دست به اعتراض زدیم. دادگاه استرالیایی ما را بمورد اعلام کرد و بزودی قوانین ویژه ای درباره حقوق زحمتکشان که در مؤسسات این مناطق کار میکنند بتصویب رسید.

مسئله دفاع از منافع زنانی که برای کار کردن به کشورهای غایب‌مانده و نزدیک و در درجه اول به هم‌وطن سعودی و کشورهای خلیج فارس میروند برای ما بسیار مهم است. همین جا باید تأکید کنیم که مردم بدان کشورها برای این میروند که باین کار خیلی علاقمند هستند، سیاست دولت اکثریت مردم را به فقر و تنگدستی محکوم کرده و آنها را مجبور میکند به این اقدام دست بزنند. وضع زنان ما را در کشورهای بیگانه چیز دیگری جز وحشتناک نمیتوان نامید. آنها بدون دانستن زبان و بدون داشتن هیچ حقی بحدت استثمار میشوند و در اوایل کار بطور کلی وابسته به عمال کمپانی‌های خصوصی و حتی نیمه‌ملی میگردند که تخصصشان صدور نیروی کار زنان از سرلانگاست. میان عمال کمپانی‌ها افراد رذل و فرومایه بسیار است. در ضمن در کشورهای غربی که نام بردیم حتی سفارت با کنسولگری ما هم وجود ندارد که در صورت ضرورت ا- سرکهای ترانس‌ناسیونال.

بتوان به آنها مراجعه کرد و کمک گرفت. ولی دولت این وضع را نمیپسندد. برای دولت این مسئله که پهلپهایی که زنان سرلانگانی برای خانواده خود می‌فرستند به بهای چه بدست آمده مطرح نیست. دستمزد آنان برای دولت يك منبع ارز خارجی است و پس.

جنبه ما هم مانند سایر سازمانهای اجتماعی مترقی نمیتواند این وضع را تحمل نماید. ما از حزب حاکم خواستیم دفاع حقوقی زنانی را که برای کار کردن به کشورهای غربی میروند تأمین کند و درباره این مسائل با دولت‌های مربوط مذاکره بپردازد.

در ارتباط با مشی کلی سیاسی ما، همانطور که گفته شد جنبه خود را بمنزله بخشی از جنبش مترقی کشور بشمار می‌آورد و فعالیت خود را با آن هماهنگ میسازد. ما زنان را برای مبارزه علیه مشی حزب متحد ملی، علیه سرکوب حقوق دموکراتیک، بیکاری، افزایش بی‌بند و بار قیمت‌ها بسیج میکنیم و در همین حال با سندیکاها و مجامع دانشجویی و جوانان هم همکاری میکنیم. هنگامیکه دولت در سال ۱۹۸۲ به آراء عمومی مراجعه کرد و پیشنهادش این بود که اختیارات پارلمانی که در سال ۱۹۷۷ انتخاب شده تا آخر سال ۱۹۸۸ تمدید شود، جنبه و نه سازمان دیگر متعلق به زنان سند مشترکی را منتشر کردند که در آن گفته میشد حزب حاکم میخواهد به کمک رفراوندوم مردم را فریب بدهد و حاکمیت خود را برای ۷ سال دیگر به آنها تحمیل کند. متأسفانه جلوگیری از این رفراوندوم میسر نشد، ولی ما تجربه مبارزه سیاسی و زبانی بدست آوردیم.

مسئله ای که برای جنبه بفرنج است، مشکل همکاری با سایر سازمانهای زنان است. امکان دست‌یافتن به وحدت عمل کامل در اینجا فعلاً خیلی محدود است. موضوع بدین قرار است که تمام احزاب مهم کشور برای خود يك سازمان زنان دارند. بعلت وجود اختلافات بزرگ در مواضع این سازمانها ما هدف خود را نزدیک با آنها بهر قیمت نمیدانیم، اگرچه از برقراری تماس دریغ نداریم. احوال و روحیه نژاد پرستانه و شوونیستی هم، در مجامع تأمیل و سینگال مانع وحدت عمل است و این افکار و نظریات گاهی هم موجب برخورد های خونینی میشوند. ما میکوشیم میان نمایندگان هردو طرف کار کنیم و برای آنها توضیح میدهم که در مقابل دشواریهای مشترک، یافتن راه وحدت و یکپارچگی حائز اهمیت است، نه خصومت و دشمنی با یکدیگر. ولی رسوخ دادن این اندیشه به فکر و ذهن آنها بسیار دشوار است، از جمله بدین سبب که محافل حاکمه در دامن زنان به نژاد پرستی دینفع هستند. آنها سعی میکنند نفاق بپنکنند، زحمتکشان را پراکنده سازند و از توجه به حادثه‌ترین مسائل اجتماعی و خصلت ضد مردمی سیاست دولت باز دارند.

در این شرایط مشی جنبه ما عبارت از این است که در مورد مسائل کثرت همراه با سایر

سازمانهای زنان و از جمله سازمانهای مذهبی و گروههای فمینیست دست به اقدام واحدی بزنند. بطور مثال ما موفق شدیم جنبش گسترده ای را بی‌رهزی کنیم که خواستار لغو کار شبانه برای زنان است. جبهه در برگزاری روز بین‌المللی زنان با فعالیت فراوان شرکت میکند. هفتم مارس تا حدود زیادی در نتیجه کوشش‌های ما جشن واقعاً بزرگی در سرلانکا شده و سازمانهای زنان در همین دارا بودن نظریات گوناگون سیاسی در تدارک آن اشتراک می‌یوزند.

مبارزه در راه صلح در سالهای اخیر مهمترین عامل متحدکننده شده است. زنان هم مانند تمام سکنه کشور بتدریج به اهمیت مبارزه در راه صلح پی می‌برند. اشتراک جبهه در فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان در گسترش مبارزه علیه جنگ، با خیلی کمک میکند. مداخلات خود را با مساعی مجامع صلح دوست جهان تلفیق میکنیم. تاکنون چند بار تظاهرات عظیمی علیه جنگ سازمان داده ایم که یکی از آنها علیه واگذاری پایگاه به ایالات متحده آمریکا در اراضی کشور و در ترینکومالی بود. ما در نظر داریم در سال جاری که سال بین‌المللی صلح اعلام شده است فعالیت خود را در این جهت تشدید نمائیم و محافل گسترده زنان سرلانکائی را بسندان جلب کنیم.

علیه تضییق و فشار و پیگرد

قانون شکنی قضائی در «واحه دموکراسی»

دادگاه امنیت دولتی جمهوری عربی مصر به باصطلاح رسیدگی به «پرونده حزب کمونیست مصر» پایان داد. بازجویی و پیگرد و جریان کار دادرسی در مورد این پرونده از سال ۱۹۷۹ تاکنون ادامه داشت. علیه شخصت نفر و از جمله دو تن از شهروندان سودان بعثت* تأسیس حزب و رهبری آن* و به این بهانه اعلام جرم شده بود که آنها مواد «قانون ویژه احزاب» را که در زمان سادات به تصویب رسید (پس از تظاهرات توده ای مردم در ژانویه سال ۱۹۷۷) نقض کرده اند.

دادستان برای متهمین حد اعلائی مجازات را که ۲۵ سال زندان با اعمال شاقه است تقاضا کرده بود. ولی دادگاه که بر اساس مقررات فوق العاده ای تشکیل شده بود که پس از قتل سادات وضع گردید (و دولت اطمینان میداد که حالا دیگر از آن مقررات استفاده نمیشود) نمیتوانست اتهام وارده را با اثبات رساند. لاجرم به قانون دیگری استناد کردند که در واقع مربوط به دوران سلطنت ملک فاروق است. بموجب این قانون نه فقط انتشار بلکه فقط داشتن نوشته و یا کتاب و روزنامه ای که در آنها از فعالیت و اقدامات رژیم حاکم انتقاد شده باشد جرم محسوب میشود. بسیاری از کسانی که محاکمه میشدند واقعاً از این قبیل نوشته ها داشتند. با آنکه بخش بزرگی از اسنادی که متهمین را بجرم داشتن آنها محاکمه میکردند بطور کامل^{تانی} ملنی از طرف سازمان سیاسی بنام حزب ملی - شرقی (چپ) مصر که دولت آنها برسمیت میشناسد انتشار یافته بود، ۳۴ تن از متهمین به يك تا سه سال زندان با اعمال شاقه محکوم شدند. تعدادی از کارگران، دانشجویان، آموزگاران، مهندسين، حقوقدانان، روزنامه نگاران، پیشکسوتان جنبش آزاد بخش ملی مصر و جنبش کمونیستی مصر، رهبران حزب ملی - شرقی (چپ) مصر که در دوران ریاست جمهوری سادات بارها مورد تعقیب قرار گرفته و بازداشت شده بودند، بیس محکومین هستند. برخی از متهمین با استناد به ماده قانونی محکوم شده اند، اگرچه علیه آنها فقط يك اتهام وجود دارد و این کار کاملاً خلاف قانون است.

رژیم کمونی مصر مدعی است که گویا کشور ما " واحد دموکراسی " در دنیا می باشد . ولی گردانندگان دستگاه دولت اینک تعداد بسیار زیادی قوانین غیردموکراتیک در اختیار دارند که همواره با توسل بد آنها تلاش میکنند تظاهرات و اقدامات روزافزون نیروهای دموکراتیک و مترقی را سرکوب کنند . جریان دادرسی که به پایان رسید در واقع به سرکوب آشکار همین پرستان ، مبارزان در راه آزادی ، دموکراسی و ترقی اجتماعی و مخالفان سیاست وابستگی به امپریالیسم آمریکا مبدل شده بود .

محافل صلح دوست و دموکراتیک با صدای رسا احکام ننگین دادگاه مصر را محکوم نموده و با اعتراض علیه این اقدامات آزادی بیگناهانی را که مورد تعقیب قرار گرفته اند طلب میکنند .

۰۰۰۰ کمال

نماینده حزب کمونیست مصر در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " .

بقیه از صفحه ۴۳

کسانی که به آرمانهای آزادی و دموکراسی ارجح می نهند ، از دولت اردن می خواهند به تضحیق و پیگرد پایان دهد ، بازداشت شدگان را آزاد کند و به مردم امکان بدهد همبستگی خود را با خلقهای عرب برادر آزادانه بیان کنند .

خ . سلام

نماینده حزب کمونیست اردن در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " .

به ترور در اردن پایان دهید !

از اردن خبرهای نگران کننده می آید . محافل حاکمه در اردن دست به اقدامات خشونت آمیز گسترده می توأم با ترور علیه کسانی زد ماند که جرئت کردند مانند همدردی خود را نسبت به مردم لیبی که مورد تجاوز آمریکا قرار گرفتند ، اظهار کنند . دولت هرقی ف . و راد دبیر اول حزب کمونیست اردن را با گروهی از اعضای رهبری آن حزب و بسیاری از شخصیت های اجتماعی برجسته که بداشتن افکار مترقی شهرت دارند بازداشت کرده است .

امواج اعتراض علیه اقدام وحشیانه تروریسم دولتی واشنگتن بجزه در دانشگاه شهر پرموک هدید بود . بنا به اطلاعاتی که در دست است ، در جریان درگیری جوانان با پلیس ده ها تن از دانشجویان به هلاکت رسیده و با زخمی شد ماند و صد ها نفر بازداشت و زندانی شده اند .

محافل اجتماعی اردن اعتراض خود را در دفاع از دانشجویان دموکرات اعلام کرده اند . شرکت کنندگان در تظاهرات توده ای گسترده اعتراض آمیز همبستگی کامل خود را با دانشجویان دانشگاه پرموک ابراز داشتند و خواستار آزادی بازداشت شدگان و مجازات کسانی شده اند که افراد بیدفاع را بقتل رسانیده اند . دولت برای سرکوب تظاهرات کنندگان تمام دستگاه تضحیق و فشار را بکار گرفت . ولی ارگان های سرکوبگر قادر به خاموش ساختن صدای اعتراض مردم نبودند . در آن موقع بود که هیئت حاکمه تصمیم گرفت گروه بزرگی از شخصیت های دموکرات و همین پرست و بهیوست کمونیست ها را بازداشت کند .

موج هوشی گسترده تضحیق و فشار خصلت طرفداری از امپریالیسم سیاست دولت را آشکار میکند و بیانگر این واقعیت است که هیئت حاکمه مصالح همین خویش را بسود اربابان آمریکایی خود بدست فراموشی سپرده و بهترین فرزندان آنها روانه زندانها میکند . میان تشدید و ضمانت اوضاع در خاور نزدیک و منطقه دریای مدیترانه که بدست ارتجاع بین المللی صورت میگردد و افزایش تضحیق و فشار در اردن ارتباط مستقیم وجود دارد .

خبرهای مربوط به ترور در کشورهای خشم و انزجار مجامع مترقی جهانی مواجه گردید . تمام بقیه در صفحه ۴۲

جنبش عدم تعهد از دهللی تا هزاره

اوپن کریپشنان

عضو شورای ملی حزب کومنیت هند وستان
نایبند حزب کومنیت هند وستان
در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "

سوپاتری

عضو پروری سیاسی کپته مرکزی
حزب استقلال و کار سنگال
نایبند حزب در مجله

علی احمد الطیب

نایبند حزب کومنیت سودان در مجله

آخر ماه اوت هفتمین کنفرانس سران کشورها و دولتهای عضو جنبش عدم تعهد در شهر هزاره پایتخت جمهوری زیمبابوه کار خود را آغاز خواهد کرد. برگزاری مجمع عالی نهمین جنبش عدم تعهد مصادف با بیست و پنجمین سال موجودیت و فعالیت آن است.

جنبش عدم تعهد از هنگام برگزاری نخستین کنفرانس خود در بلگراد (سپتامبر سال ۱۹۶۱) تا کنون راه درازی پیموده است. این جنبش که بیش از صد کشور را با جمعیتی در حدود یک میلیارد و پانصد میلیون نفر متحد میسازد به عامل مهمی در مناسبات بین المللی ماصر مبدل شده است. مبارزه مشترک کشورهای غیرتعهد کشورهای جهان سوسیالیستی و تمام نیروهای شرقی و دموکراتیک سیاره ما در راه آزادی سیاسی و اقتصادی خلقهای آسیایه آفریقا و آمریکای لاتین و تحکیم استقلال و حق حاکمیت کشورهای نواستقلال به موقفت های بزرگ فراوانی منجر گردید. فعالیت های گوناگون جنبش در راه صلح در مجامع بین المللی تأیید گسترده ای رویو شد. جنبش عدم تعهد همزیستی مسالمت آمیز را قاعده کلی و عام مناسبات میان دولتها میداند و به بارزه علیه مسابقه تسلیحاتی و خطر هسته ای کنه جامعه بشری را تهدید میداند. اینک سمت ضد امپریالیستی جنبش عدم تعهد شکل روشن و دقیق تری پیدا کرده است.

ولی برکسی پوشیده نیست که در فعالیت جنبش عدم تعهد نقاط ضعف و جنبه های آسیب پذیر هم زیاد است. خصلت اجتماعی بسیار متنوع کشورهای شرکت کننده در آن سطح مختلف پیشرفت

اقتصادی و سیاسی آنها متفاوت بودن برخوردارها به حل و فصل مسائل حاد بین المللی و اختلاف نظر در تعیین هدف ها و وظایف جنبش از جمله آنها است. امپریالیسم و ارتجاع بمنظور برهم زدن وحدت جنبش و منحرف ساختن آن از مواضع ضد امپریالیستی فشار همه جانبه شدیدی به کشورهای غیرتعهد وارد میآورند و میکوشند میان آنها نفاق و تفرقه اندازند و میزان شرمشخی اقدامات مشترک آنها را کاهش دهند. زیرا این قبیل اقدامات نمونه های زند و قانع کننده همکاری و فعالیت مشترک این کشورها برای دست یافتن به هدفهای واحد و مشترک کشورهایی است که دارای سیستم های اجتماعی اقتصادی گوناگون میباشند.

برگزاری هر یک از مجمع های جنبش توجه همگان را در تمام قاره ها بخود جلب میکند. زیرا در این مجامع مسائل گرهی سرنوشت خلقها مورد بحث قرار میگیرد. برنامه بسیار مشروح اقدامات دهها کشور بمقیاس بین المللی برای چند سال جلوتر تهیه و تدوین میگردد و مسائل سیاسی و اجتماعی - اقتصادی حاد دنیای کشورهای در حال رشد مورد بررسی قرار میگیرد. سران کشورها و دولتها در این قبیل دیدارها به تصمیمات و برخوردهای جمعی و هم آهنگی میروند و برای مسائلی که زندگی و پیشرفت جهان مطرح ساخته راه حلی پیدا میکنند.

سه سال و اندی پیش این کار چند جانبه را هفتمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرتعهد در دهللی پایتخت هند وستان انجام داد. در آستانه کنفرانس تازه سران کشورها که این مرتبه در سرزمین زیمبابوه مستقل تشکیل میبود توجه مردم جهان به فعالیت جنبش عدم تعهد طی سالهای اخیر بشدت افزایش یافته است. هدف این شرح مختصر جلب توجه خوانندگان به برخی از جنبه های این فعالیت در دوران حد فاصل میان دو مجمع دهللی و هزاره است.

بسیترین مسئله جامعه بشری

مطالب بهائیه دهللی که فراخوان هفتمین کنفرانس جنبش بود هنوز فراموش نشده است. در بهائیه گفته میشد: " کشورهای غیرتعهد از طرف اکثریت ساکنان روی زمین طلب میکنند که خزش بسوی درگیری هسته ای که بهر روزی و آسایش جامعه بشری را نه فقط در دوران ما بلکه برای نسلهای آینده هم به خطر می اندازد بدون درنگ متوقف گردد. " آن سند که مشحون از نگرانی برای سرنوشت جامعه بشری بود هلاکتبار بودن مشی ریاکاری و جنگ را فاش میساخت و اعضای مجامع بین المللی و مقدم بر همه کشورهای بزرگ را به یافتن " راه حل های خردمندانه " فراخواند. رهبران کشورهایی که در دهللی گرد هم آمده بودند عزم راسخ خود را برای استفاده از تمام امکانات بمنظور سالمسازی جو سیاسی جهان اعلام داشتند.

در عین حال باید بدون درنگ یادآور شوم که پس از دیدار دهللی بنگاه تجار و کارکنان محافل امپریالیسم و در درجه اول امپریالیسم آمریکا بر و خاست وضع بین المللی بطور بیمابنه ای افزود و شد . ریگان رئیس جمهوری آمریکا پیشنهاد های سنجیده و واقع بینانه ای را که اتحاد شوروی در برابر متوقف ساختن سابقه تسلیحات هسته ای مطرح ساخت و همچنین سایر ابتکارات شوروی برای حفظ صلح را رد کرد . واغنگتن در تلاش برای تغییر توازن موجود تسلیحات استراتژیک بسود خود به استقرار موشک های آمریکائی با برد متوسط در اروپای غربی پرداخت به فعالیت های میلیتاریستی پرتب و تساب خود ادامه داد و آنرا تشدید کرد و برغم اعتراضات کشورهای نواستقلال و افکار عمومی به اقدامات تجاوزکارانه در بسیاری از نقاط جهان دست زد . در این شرایط وظیفه بسیار دشواری محسوس شد جنبش عدم تمسک و صدر آن هندوستان واگدار شده بود و آن تحقق دستور العمل صلحجویانه مجمع دهللی در وضعی بود که برای انجام چنین کاری بهیچوجه مساعد نبود .

با وجود این زندگی نشان داد برغم پاد های " جنگ سردی " که امپریالیسم آنرا تشدید میکند جنبش توانست در طول چند سال از مشی اصولی خود در امور بین المللی بدون تزلزل و بطور پیگیر دفاع کند . این مشی دفاع از صلح ، تأمین امنیت خلقها ، احیای کاهش تشنج و مبارزه علیه استعمار و نواستعمار و پیکار در راه برقراری مقررات و نظم تازه در اقتصاد بین المللی و اطلاعات و پخش خبر را در بر میگیرد .

بابتکار اپندیرا گاندی نخست وزیر فقید هندوستان در پانزده سال ۱۹۸۳ در شهر نیویورک دیدار رسمی و " غیرتشریفاتی " شخصیت های دولتی کشورهای غیرتمسک و همچنین برخی از رجال دولتی کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری ترتیب داده شد که برای شرکت در سی و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل آمده بودند . این مذاکرات در اطراف مسئله جستجوی مشترک راههای کاهش تشنج بین المللی و حل و فصل مسائل بسیار حاد اقتصادی کشورهای در حال رشد دور میزد . شرکت کنندگان در مذاکرات که مسئله خلع سلاح و مهار کردن خطر هسته ای را در درجه اول اهمیت بشمار میآوردند بر ضرورت بررسی این مسائل در ارتباط نزدیک با هدفهای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای نواستقلال تأکید میکردند .

بانگ رسای جنبش عدم تمسک و همدمها هم از تریبون سازمان ملل متحد با علاقه فراوان سخنرانی صلح شنیده میشود . کشورهای عضو جنبش عدم تمسک بهترین تنظیم قطعنامه هائی بودند که بمسائل کاهش بودجه های نظامی و ارتباط متقابل میان خلع سلاح و پیشرفت مربوط میشود و همچنین در تنظیم قطعنامه های مربوط به متوقف ساختن تولید سلاحهای هسته ای ، قدغن کردن استعمال سلاح هسته ای ، جلوگیری از جنگ هسته ای و غیره شرکت داشتند . در آخرین یعنی چهلیمین اجلاس مجمع عمومی

سازمان ملل متحد قطعنامه ای بتصویب رسید که کشورهای را به جلوگیری از گسترش سابقه تسلیحاتی بفضای کیهانی فرامیخواند و ۱۵۱ کشور آنرا تأیید کردند . این قطعنامه را کشورهای غیرتمسک بسا در نظر گرفتن پیشنهاد های اتحاد شوروی و سایر کشورهای تنظیم کرده بودند . بهنگام رأی گیری درباره این قطعنامه فقط ایالات متحده آمریکا و رژیم دست نشانده گرنادا که برده وار به ارباب خود وفادار است از دادن رأی خود داری کردند .

فعالیت کشورهای غیرتمسک بسود صلح در این سالها با تجربه مثبت تازه ای غنی تر شد . بابتکار تعدادی از اعضای متنفذ جنبش و با اشتراك مستقیم آنها برای نخستین بار در پراگ بین المللی ، چنان شکلی از دیپلماسی جمعی مورد استفاده قرار گرفت که در زمینه آن کشورهای غیرتمسک همراه با کشورهای دیگر در ارتباط با معضل جنگ و صلح که مسئله ای بنیادی برای جامعه بشری است دست بابتکاراتی زدند . این فعالیت از بهار سال ۱۹۸۴ آغاز گردید : اعلامیه مشترکی که لیدرهای هندوستان ، آرژانتین ، یونان ، مکزیک ، سوئد و تانزانیا صادر کردند حاوی فراخوانی خطاب به کشورهای هسته ای بود تا تهیه و تولید و افزایش سلاح هسته ای و وسائل حمل و نقل آن را مطلقاً متوقف سازند و ذخایر سلاح هسته ای را از سطح کونی بالاتر نهند و بیدرنگ پروسه کاهش این ذخایر را آغاز کنند . چند ماه بعد این شش کشور اعلامیه دهللی را خطاب به مردم جهان صادر کردند و در آنهم بار دیگر خواستار قطع فوری سابقه تسلیحاتی شدند . لیدران چهار کشور غیرتمسک یعنی هندوستان ، آرژانتین ، تانزانیا و مکزیک (۱) کشورهای بطرف سوئد و یونان که عضو ناتو میباشند خطر میلیتاریزه کردن فضای کیهانی را بویژه یادآور شدند و کشورهای را به امتناع از بکار بردن سلاح هسته ای بهر شکل آن و انعقاد هر چه سریعتر قراردادی درباره قدغن کردن کامل آزمایشهای هسته ای فراخواندند . در اعلامیه گفته میشود : " چنین قراردادی کام بسیار بزرگی در راه جلوگیری از تکامل مداوم ذخایر سلاح هسته ای خواهد بود " دیپلماسی جمعی شش کشور مورد تأیید جنبش عدم تمسک قرار گرفت زیرا جنبش در این ابتکار تازه امکان واقعی برای پیشبرد مبارزه علیه سابقه تسلیحاتی را میدید . فعالیت این شش کشور به هموار شدن راه دیالوگ شوروی و آمریکا که برای سرنوشت سیاره ما بی اندازه حائز اهمیت است کمک کرد . پیشنهاد آنها با " شکل و مضمون " برخورد مرحله به مرحله جنبش عدم تمسک به مسائل خلع سلاح مطابقت میکرد . جنبش عدم تمسک در درجه اول روی مسئله قدغن کردن استعمال سلاح هسته ای در هر شرایطی که میخواهد باشد و قطع آزمایشهای هسته ای اصرار میورزد و نقشه های شوم آغاز دور دیگری از سابقه تسلیحاتی هلاکتبار را قاطمانه رد میکند .

جنبش عدم تمسک هرگونه فعالیت میلیتاریستی و تدارکات نظامی خواه منطبقه ای و خواه بمقیاس

۱- مکزیک در جنبش عدم تمسک بعنوان ناظر شرکت میکند . هیئت تحریریه .

جهانی محکوم میکند. این قبیل فعالیت ها با جملہ در دیدار وزرای امور خارجه کشورهای غیرمتعهد در ریای مدیترانه با اشتراك سازمان آزاد پيخش فلسطين که در پائيز سال ۱۹۸۴ در واکت پایتخت مالت برگزار گردید پشتات مورد انتقاد قرار گرفت. بیانیه ای که در آنجا بتصویب رسید خطری را که اتحاد استراتژیک ایالات متحده آمریکا و اسرائیل برای کشورهای منطقه در بردارد نشان میداد. کشورهای غیرمتعهد خواستار ایجاد مناطق صلح فارغ از سلاح هسته ای در این بخش و بخش های دیگری از جهان بودند. ابتکارات صلح کشورهای غیرمتعهد به امنیت عموس یاری میرساند. این ابتکارات در جهت کمک به کاهش تشنج بین المللی است که در نیمه اول سالهای ۸۰ متحمل آزمونهای دشواری شده است.

نشانه های چرخش در مناسبات شوروی و آمریکا در اواسط دهه ۸۰ در زمینه دوران بسیار بفرنج پیشرفت وضع جهان بمنزله بارقه امیدی جلوه گر شد. ابتدا از سرگیری مذاکرات متوسطه تسلیحات هسته ای و فضای کیهانی و بعداً دیدار م. س. گارباچف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و ریگان رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در ژنو (در سال ۱۹۸۵) انجام گرفت. از سرگیری دیالوگ دو کشور مورد استقبال کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای غیرمتعهد قرار گرفت که در سپتامبر سال ۱۹۸۵ در شهر لواندا پایتخت جمهوری توده ای آنگولا تشکیل شد. اعلامیه نهائی کنفرانس شامل فراخوانی خطاب به کشورهای هسته ای بود تا "اراده سیاسی خود را به مهار کردن مسابقه تسلیحاتی با تدابیر مشخص در جهت انعقاد قرارداد جامع که آزمایش تمام انواع سلاح هسته ای را برای همیشه ممنوع کند با اثبات رسانند. جنبش عدم عهده از هنگام بنیاد گذاری خود روی این مسئله اصرار موززد. در سند کنفرانس لواندا همچنین بر ضرورت متوقف کردن هرگونه انفجاسار هسته ای بمنظور کمک به جریان مذاکرات تأکید شده است.

بطوریکه میدانیم تاکنون در این جهت فقط اتحاد شوروی بطور یکجانبه گامهای واقعی برداشته است. بار دیگر قطع تمام انواع انفجارهای هسته ای از طرف اتحاد شوروی تا ۶ اوت سال جاری تمدید شد. اتحاد شوروی از اوت سال ۱۹۸۵ آزمایش های هسته ای را قطع کرده بود. با چنین اقدامی مسکو نه فقط علاقه واقعی خود را به مصالح همگانی و تمایل حقیقی خویش را باین امر نشان داد که میخواهد بخش از راهی را که برای انعقاد قرارداد قطع کامل آزمایش سلاح هسته ای بنهاده آنست بهمیاید، بلکه نمونه ای هم از توجه کامل به موضع کشورهای غیرمتعهد و سایر کشورهای صلحدوست در مورد این مسئله بدست داد. رهبری عالی شوروی آمادگی خود را برای استفاده از پیشنهاد های کنفرانس دهلی درباره کمک به کنترل قطع آزمایش های هسته ای اظهار داشت. بدیهی است فقط در آنصورت که طرف دیگر هم آنرا بپذیرد. در پایتخت شوروی با اندیشه جهان امن بدون سلاح

هسته ای هم که آن شش کشور مطرح کرده اند به نظریه ایجاد سیستم جامع امنیت بین المللی کسه بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام کرده بسیار نزدیک است بطور مثبت برخورد شد.

برنامه از بین بردن کامل و مرحله مرحله سلاح هسته ای در همه جا تا سال ۲۰۰۰ میلادی در ضمن توافق درباره قدغن کردن ساختن و آزمایش کردن و استقرار وسائل ضریب در فضای کیهانی که اتحاد شوروی پیشنهاد کرده در کشورهای در حال رشد بسیار با اهمیت تلقی شد. کاپوتو وزیر امور خارجه آژانتین آنرا "مهمترین ابتکار از میان تمام ابتکاراتی که تاکنون در این عرصه مطرح شده" نامید. شوروی هم آهنگی جنبش عدم تعهد (دهلی، آوریل سال جاری) از برنامه عظیم اتحاد شوروی برای صلح بگرمی استقبال کرد. در اعلامیه سیاسی که شرکت کنندگان در اجلاس به تصویب کردند گفته شده است: وظایف این برنامه "بمیزان قابل توجهی یا موضعی که کشورهای غیرمتعهد در برخورد با این مسائل بطور پیگیر اتخاذ میکنند هماهنگ است".

بدین ترتیب دیده میشود که کشورها و خلقهای صلحدوست در این اواخر بمنظور سالمسازی جو بین المللی اقدامات زیادی بعمل آورده اند. ولی دولت ریگان همواره نسبت به هرگامی در راه صلح و خلع سلاح برخوردی منفی نشان میدهد. از میدان های تیر آمریکا غریب انفجارهای هسته ای بگوش میرسد و واشنگتن نقشه های تدارک "جنگ ستارگان" را بتدریج تحقق میبخشد. در ضمن ایالات متحده آمریکا میکوشد مسئله مهار کردن مسابقه تسلیحاتی هسته ای و نابودی آنها در آینده را کسه مضمون اصلی دیالوگ شوروی و آمریکا را تشکیل میداد به پوته فراموشی سپارد.

جنبش عدم تعهد در زمینه واقعیات نیمه دوم سال های ۸۰ همراه با سایر نیروهای پر قدرت ضد جنگ عمل میکند. این جنبش ضمن تأکید بر ضرورت و فوریت اتخاذ تدابیری بمنظور عادی ساختن وضع بین المللی و نگرانی عمیق بعلت فقدان اثر مشهودی از کاهش تشنج، بویژه در این اواخر خلق راه دولتها و مجامع مختلف را برای مقابله با نیات خطرناک امپریالیسم بسیج میکند. برطرف ساختن خطر بلایه هسته ای را جنبش مهمترین مسئله ای بشمار میآورد که جامعه بشری با آن روبرو شده است.

آنچه در لواندا مورد توجه ویژه قرار گرفت

معمولاً در فاصله میان دو مجمع عالی کشورهای غیرمتعهد دیدار رسمی دیگری هم که گردهمآیی با کنفرانس وزرای امور خارجه آن کشورها است ترتیب داده میشود. وظیفه آن بررسی جریان انجام برنامه ای است که لیدران کشورها قبلاً تصویب کرده اند. کنفرانس در ضمن باید تصمیماتی را کسه در مجمع عالی گرفته شده یا مسائلی که تازه بوجود میآید (هم بمقیاس جهانی و هم در چهارچوب کشورهای عضو جنبش عدم تعهد) بسنجد تا بدین ترتیب مسائل عده فعالیت جاری و آینده جنبش

را دقیق تر معین کند. در دورانی که مورد نظر ما است کنفرانس لواندا یکی از این قبیل دیدارها بود. در آن ۱۰۱ کشور شرکت کردند و سرپرستی تقریباً ۶۰ هیئت نمایندگی را وزرا بعهده داشتند. پیش از انجام این دیدار در جهت فعالیت های جنبش سلسله اقداماتی بقرار زیر بعمل آمده بود: مشاوره بنظور هم آهنگ ساختن اقدامات کشورهای غیرمتعهد در سازمان ملل متعهد و اجلاسیه بسو روی هم آهنگی. اجلاسیه اخیر بمسائلی مانند وضع آمریکای مرکزی و نیکاراگوئه در ارتباط با عملیات تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا و واگذاری استقلال به نامیبیا و اشغال جنوب لبنان از طرف اسرائیل رسیدگی کرد. " کمیسیون هشت کشور " هم طبق قرار کنفرانس دهلی در مورد مسئله فلسطین اقداماتی بعمل میآورد. وزرای اطلاعات کشورهای غیرمتعهد در جاکارتا مسئله مبارزه با " امپریالیسم خبری " (۱) و نقشه های هم آهنگی هرچه بیشتر مساعی این کشورها در عرصه خبری و اطلاعاتی را مورد بحث و مذاکره قرار دادند.

در لواندا نیروی محرکه تازه ای به فعالیت جنبش عدم تعهد داده شد. بر تداوم اساسهایی که برای جنبش قبلاً فرمول بندی شده بود تأکید گردید و تأیید شد که تصمیمات و قراردادهای کنفرانس دهلی (سال ۱۹۸۳) بقوت خود باقی است. در عین حال نتایج دیدار لواندا بر این گواهی میدهد که جنبش با در نظر گرفتن رویداد های سالهای اخیر به ویژه در جنوب آفریقا جلب توجه همگان به صورت قرارها و تصمیماتی را که در عرصه استعمارزدائی گرفته شده لازم و ضروری بشمار میآورد.

طبق آمار و ارقام سازمان ملل متحد در دنیا تقریباً ۲۰ سرزمین فاقد خود مختاری و خودگردانی یا مستعمره باقی مانده است. نامیبیا، سرزمین های فلسطینی ها، برخی از اراضی حوضه کارائیب، میکرونزی، پورتوریکو، جزایر برمود و مالوین، جزیره جانی دیکو، گارسیا و غیره از جمله آنها است. خلاف اعلامیه مربوط به واگذاری استقلال به خلقها و کشورهای مستعمره که بیش از ربع قرن پیش از این بتصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و در برخی از قسمت های سرزمین های مستعمرات پایگاههای نظامی امپریالیسم و میدان تیر برای آزمایش سلاح هسته ای ایجاد میگردد. اشغال نامیبیا از طرف جمهوری آفریقای جنوبی و محروم ساختن خلق فلسطین از حقوق قانونیش، از جمله از حق ایجاد کشور ویژه خود در سرزمین های فلسطین نقض خشن و نشکین حق تعیین سرنوشت است.

اس این اصطلاح در اسناد جنبش عدم تعهد در سالهای اخیر زیاد بچشم میخورد و به معنی شکل ویژه ای از مبارزه آید. تئوریات امپریالیسم علیه سوسیالیسم جهانی، جنبش آزاد بیخش ملی و تمام نیروهای صلح، دموکراسی و ترقی است. این مبارزه با استفاده گسترده از وسائل ارتباط جمعی تبلیغاتی انجام میگردد. آماج اصلی " امپریالیسم خبری " کشورهای نو استقلال آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین میباشد.

مسائل جنوب آفریقا در مرکز توجه شرکت کنندگان در آن دیدار قرار داشتند. در آنجا در نتیجه سیاست رژیم نژادگرا و حامیان آن در واشنگتن وضع فوق العاده و بحرانی پدید آمده است. جنبش عدم تعهد بارها صراً مسائل استعمارزدائی از نامیبیا، الفای سیمت آپارتاید در جمهوری آفریقای جنوبی، مقابله با تجاوز پرتوریا علیه کشورهای همسایه را در مجامع بین المللی مطرح کرده است. خود برگزاری این مجمع بزرگ در پایتخت آنگولا را شرکت کنندگان در آن بمنزله ابراز همبستگی با کشوری بشمار میآوردند که " در پشاپیش مبارزه علیه سیمت نفرت انگیز آپارتاید قرار دارد ". کنفرانس هجومهای تجاوزکارانه نژاد پرستان و اقدامات آنان در جهت بی ثبات کردن وضع سیاسی و اقتصادی موزامبیک، بتسوانا، لیسوتو و بطور کلی کشورهای " خط مقدم جبهه " را محکوم کرد و خواستار مجازاتهای جامع و حتمی الاجرا برای آفریقای جنوبی نژاد پرست و اسرائیل شد.

هیئت های نمایندگی در این دیدار رژیم آپارتاید را بعلت سیاست ستکری وحشیانه، تضییق و فشار و تبعیض که علیه اکثریت اهالی جمهوری آفریقای جنوبی اعمال میکند بشدت محکوم کردند. در بیانیه نهائی گفته میشود فقط نابودی کامل سیمت آپارتاید و ایجاد جامعه فارغ از نژادگرائی و دموکراتیک میتواند زمینه قابل اطمینانی برای حل و فصل عادلانه و استوار وضعی باشد که در آنجا بوجود آمده است. سیاست کدائی " همکاری سازنده " ایالات متحده آمریکا در ارتباط با رژیم آفریقای جنوبی هم کسه دست نژاد پرستان را کاملاً باز نگذاشته است بطور دسته جمعی محکوم گردید. کنفرانس لواندا از تمام کشورها خواست فقط به ابراز همبستگی با مبارزه میهن پرستان اکتفا نکنند و بدین مبارزه به شکل شریکشی یاری رسانند.

توجه شرکت کنندگان در دیدار همچنین به دشوارترین بلاهای اجتماعی - اقتصادی معطوف گردید که قاره آفریقا را دربر گرفته است. خشکسالی و دورنمای گرسنگی که زندگی دهها میلیون انسان را تهدید میکند با شدت بیسابقه ای در اواسط سالهای ۸۰ ژرفا و دراماتیک مسائل را که کشورهای جوان آفریقا با آنها روبرو هستند روشن کردند. این نابسامانی ها که زائیده گذشته استعمار پرست و با استثمار نو استعماری تجدید میشوند در نتیجه تأثیر بحران اقتصاد سرمایه داری جهانی تشدید میگردد. اینک فشار وامهای خارجی تأثیر ویژه منفی میبخشند. بهره وام های خارجی که به اعتبار دهندگان امپریالیستی پرداخت میشود اغلب بیش از درآمد سالانه برخی از کشورهای آفریقای از صادرات خویش است.

در تابستان سال گذشته لیدران کشورهای قاره تدابیر لازم برای برطرف ساختن پی آمدهای خشکسالی بیسابقه را یادآور شدند. در اعلامیه اقتصادی بیست و یکمین اجلاسیه سازمان وحدت آفریقا در آدیس آبابا گفته میشود " ما این را میپذیریم که مساعی مشترک کشورهای عضو مهمترین وسیله

مبارزه با بحران کنونی است. ۰۰ ولی دامنه بحران باندازه ای است که لزوم کمک به این کوشش‌ها از طرف مجامع بین‌المللی جنبه فوری بخود میگیرد. ۰ این طرز برخورد پهنکام دیدار در لوآندا هم نمایان گردید. ۰ تدابیری که بمنظور کاهش بار مشقات کشورهای که با کمبود محصول مواجه بودند و در گذشته با یتکار جنبش عدم تعهد اتخاذ شده بود مورد تأیید قرار گرفت؛ طرح عملی بمنظور تهیه و تدوین برنامه‌های ویژه و طرحهای افزایش تولید مواد غذایی و برای مبارزه با خشکسالی بمنزله هدف آینده دور به تصویب رسید. ۰ کنفرانس از مجامع بین‌المللی خواست به ریشه کن کردن علل بنیادی که بوجود آورنده این قبیله بلایا هستند یاری رسانند و عزم راسخ خود را برای جلوگیری از تکرار درام آفریقا آشکارسا را نشان داد.

باتوجه به نقش این قاره در پیکار ضد امپریالیستی و ضد نژادگرائی معاصر و وظایف فوری اجتماعی-اقتصادی که در برابر خلقهای آن قرار دارد و ارج و اعتبار گروه آفریقا که بزرگترین گروه در جنبش عدم تعهد است (۵۱ کشور آفریقائی) محل گرد هم آئی هشتمین کنفرانس در سطح عالی زیمبابوه که از کشورهای "خط مقدم جنبه" است برگزیده شد. ۰ ر. موگابه نخست وزیر آن باید بصد ارت جنبش انتخاب گردد.

خطر تروریسم امپریالیستی

هر قدر مبارزه رهائی بخش خلقهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین گسترش بیشتری می یابد رفتار و کردار امپریالیسم هم بهمان اندازه گستاخانه تر و تجاوزکارانه تر میشود. ۰ در مجامع اخیر جنبش عدم تعهد بارها نگرانی عمیق درباره تکرار پی در پی مداخلات امپریالیسم و اقدامات آن برای برهم زدن ثبات کشورهای غیرمتعهد صرف نظر از تجاوزهای مسلحانه مستقیم و ابراز شده است.

م. بیسوپ نخست وزیر گرنادا در سخنرانی خود در کنفرانس دهلی پیشاپیش از خطری که "تروریسم امپریالیستی" برای میهن او و سایر خلقهای کشورهای نواستقلال در بر دارد همگان را بر حذر داشت. ۰ این جزیره کوچک در دورانی که ما بررسی میکنیم نخستین قربانی تروریسم امپریالیستی شد. ۰ تجاوز ایالات متحده آمریکا علیه گرنادا یکی از حلقه های زنجیر جنایات امپریالیسم آمریکا در آمریکای لاتین و مناطق آسیا و آفریقا بود. ۰ هر کشور غیرمتعهد و در حال رشدی که از مشی مستقلی پیروی میکند میتواند مورد تهاجم ارتجاع بین‌المللی قرار گرفته و قربانی تروریسم امپریالیستی بشود.

جنبش عدم تعهد بطور پیگیر عملیات تجاوزکارانه مداوم ایالات متحده آمریکا در آمریکای لاتین و حوضه دریای کارائیب - جنگ اعلام نشده علیه نیکاراگوئه، مداخله در سالوادور و سایر خصمانه علیه کوبا، و فاش و برملا میکند. ۰ در خاور نزدیک و آفریقا واشنگتن گروه بزرگی از کشورهای ضد امپریالیست را بطور مداوم زیر نظر دارد. ۰ این کشورها در درجه اول عبارتند از لبنان، سوریه، آنگولا، موزامبیک،

زیمبابوه و برخی دیگر از کشورهای "خط مقدم جنبه". ۰ کشورهای ناتو حق حاکمیت جمهوری قبرس را بطور خشونت آمیزی نقض میکنند. ۰ در آسیا با شرکت آشکار پنتاگون و سیا جنگ اعلام نشده علیه افغانستان و کامپوچی ادامه دارد. ۰ این فهرست را میتوان ادامه داد زیرا با دگرین باصطلاح "نفوکلیالیسم" که دولت ریگان اعلام کرده و درنمای قرار گرفتن در "لیست سیاه" سایر دولت‌هایی را هم که مطلوب واشنگتن نیستند تهدید میکند.

خود جنبش عدم تعهد هم زیر فشار محافل امپریالیستی است. ۰ بلافاصله پس از کنفرانس دهلی این محافل میکوشیدند هر طور شده "قیافه متیسی" بگیرند و اظهار امیدواری میکردند که کوبا پس از آنکه مقام صدارت جنبش از کوبا به هندوستان برسد سنگبری جنبش عدم تعهد تغییر خواهد کرد. ۰ و این تغییر آنرا "واقعا دارای فاصله یکسان" از دو قدرت بزرگ یا "بیطرف" نسبت به امپریالیسم میکند. ۰ از آنجا که چنین نشد (باتوجه به بنیاد ضد امپریالیستی ماهیت جنبش نمیتوانست هم چنین بشود) حمله و تهمت و افترا علیه آن خصلت پیکار شوم گسترده ای را بخود گرفت که پرزیدنت ریگان در سی و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد آنرا آغاز کرد. ۰ او در آنجا گفت: "دولتهایی که در خدمت اتحاد شوروی هستند و مدتها است استقلال خود را از دست داده اند به جنبش عدم تعهد هجوم آوردند و بعنوان اعضای این جنبش خلاف هدف های اصیل آن عمل میکنند" (۱). ۰ از تز کدائی "خطر شوروی" در این مورد هم برای استتار استفاده میشد تا ایالات متحده آمریکا را از زیر آتش انتقاد کشورهای غیرمتعهد که سال بسال بر شدت آن افزود، میشد بیرون آورند.

اشغال گرنادا از طرف ایالات متحده آمریکا از جانب کشورهای در حال رشد بد رستی بمنزله نشانه هجوم گسترده ارتجاع امپریالیستی علیه کشورهای مستقل و جنبش عدم تعهد بطور کلی ارزیابی شد. ۰ رویداد های بعدی فقط این را تأیید کردند که واشنگتن زیر پرچم مبارزه با "تروریسم بین‌المللی" اقدامات گسترده بیسابقه ای را بمنظور برهم زدن ثبات کشورهای نواستقلال آغاز کرده است و حساب هایش بر پایه استفاده گسترده از قدرت اسلحه است. ۰ عمل بیسابقه تروریسم دولتی ایالات متحده آمریکا علیه لیبن هشتاد و نهمین ای برای مجامع بین‌المللی است تا بدانند مشی امپریالیسم آمریکا چه پی آمدهای خطرناکی بدنبال دارد.

خطر باصطلاح "عملیات مخفی" نیروهای امپریالیستی علیه جنبش عدم تعهد هم خطر بزرگی است. ۰ روزنامه هندی "نشال هرالد" نوشته است شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا پسرای تلاش کردن آن از درون برنامه درازمدتی تهیه کرده است. ۰ این برنامه نه فقط شامل تضعیف نقش اعضای معتبر جنبش مانند هندوستان، کوبا، الجزیره، تانزانیا و نیجریه است، بلکه برقراری کنترل بر آنها

را هم در بر میگیرد. هماهنگی کامل این قبیل اقدامات باید با شرکت مستقیم سیا و سایر سازمان های دولتی و غیردولتی آمریکا به مرحله اجرا درآید. در ارتباط با این قبیل مقاصد، میخواهم همچنین یادآور شوم که امپریالیسم درصد آن نیست که از نابود ساختن فیزیکی (جسمی) لیدران جنبش عدم تعهد و سایر شخصیت هایی که مطلوب آن نیستند صرف نظر کند. ایند پرا گاندی نخست وزیر هند و ستان کسه بمنزله صدر جنبش عدم تعهد از احترام فراوانی برخوردار بود، و همچنین او، پالنه نخست وزیر سوئد بدست قاتلین مزدور بقتل رسیدند. علیه ر. آلفونسین رئیس جمهوری آرژانتین، یکی دیگر از کسانی که سند دهللی را امضاء کرده اند هم سوء قصد بعمل آمد. نابودی واقعی، قذافی لیدر انقلاب لیبی را هم تهدید میکند، چنانکه میدانیم لیبی مورد تهاجم و بمباران وحشیانه هواپیماهای آمریکا قرار گرفت.

جنبش عدم تعهد نسبت به عملیات تخریبی و هرگونه مداخله ای از خارج همواره برخوردی اصولی و قاطعانه داشته است. بهر روی هماهنگی تجاوز عهد شکنانه به کرنا را محکوم کرد و خواستار خروج بدون درنگ نیروهای خارجی از جزیره شد. چندی پیش در اجلاس مشورتی این بهر در دهللی که برای تدارک کنفرانس تازه سران تشکیل شده بود قاطعانه از لیبی دفاع شد. ایالات متحده آمریکا و متحد نزدیک آن بریتانیای کبیر در این اجلاس محکوم گردیدند. لحن افشاگرانه سخنان وزیر امور خارجه هند و ستان بدین مناسبت در شورای امنیت سازمان ملل متحد باندازه ای تند بود که نماینده آمریکا پاسخی بهتر از این نیافت که بار دیگر به تهدید جنبش عدم تعهد بپردازد و آنرا به جانبداری "یکطرفه" متهم نماید (۱).

ضمن اظهار همبستگی با جمهوری لیبی، شرکت کنندگان در جنبش عدم تعهد خواستار پایان دادن به تجاوز به حق حاکمیت و تمامیت ارضی آن و پرداخت غرامت کامل و فوری به این کشور بخواطر خسارات جانی و مالی گردیدند که در اثر بمباران از طرف آمریکا آنها بدان وارد شده است. کشورهای غیرمتعهد از آمریکا میخواهند به اقدامات خصمانه علیه لیبی پایان دهد، زیرا این اقدامات صلح و امنیت حوضه دریای مدیترانه را بخطر افکند و وخامت وضع بین المللی را تشدید کرده اند.

د شورای های پیک در جنبه اقتصادی

در آخرین ربع قرن ما وضع بسیار بد اقتصادی کشورهای در حال رشد بمنزله يك معضل بزرگ جهانی بروز کرد. بحران سرمایه داری جهانی در مناطق دور از مراکز سرمایه اشکال ویژه وحشتناک و زننده ای بخود گرفت. بار و امه های خارجی کشورهای آمریکای لاتین و آسیا و آفریقا به بانک های سرمایه داری سر به تریلیون میزند و رکود اقتصادی ملی بسیاری از کشورها تشدید میگردد. بررسی وضع

اقتصاد ۸۳ کشور در حال رشد که در چهارچوب سازمان ملل متحد انجام گرفت نشان داد که ۴۹ کشور از میان آنها (با ۷۰۰ میلیون نفر جمعیت) در سال گذشته یا درآمد سرانه ای مانند گذشته بی اندازه کم داشته اند و یا درآمد شان حتی کاهش یافته است (۱).

احتمال نسی رود تا زمانی که قوانین سرمایه داری عمل میکنند و تحمیل نظر از جانب بازار سرمایه آر جهانی وجود دارد اختلاف سطح اقتصادی میان کشورهای سرمایه داری صنعتی و کشورهای کم رشد اصولاً مرتفع گردد. بهر چه که بازار سرمایه داری جهانی از طرفی تولید کنندگان مواد خام را مجبور میکند فرآورده های خود را به نازلترین قیمت عرضه کنند و از طرف دیگر محدودیت های گوناگونی برای فروش کالاهای خویش را لازم و حتی الاجرا تعلق نمایند. پایه و اساس این اختلاف سطح درآمد سرانه اهالی (که از ده بار هم بیشتر است) سیاست غارتگرانه امپریالیسم است که با استثمار خلقهای کشورهای آزاد شده و بحساب آنها بر ثروت خود می افزاید.

جنبش عدم تعهد تأکید میکند که از کنفرانس دهللی سران به اینطرف وضع اقتصادی بهتر نشد، است. در حل و فصل مسائل گروهی اقتصاد جهانی هیچ تغییری بوجود نیامد، و کشورهای قاره های آفریقا و آمریکای لاتین به سخت ترین بحران اقتصادی دچار شده اند.

کشورهای غیرمتعهد طرفدار شی دگرگون سازی عمیق وضع اقتصادی غیرعادلانه کنونی و تمهید آن با مقررات و نظم تازه در اقتصاد بین المللی میباشند. آنها اقتصاد جهانی را بمنزله واحدی بشمار میآورند که اجزای آن وابسته بیگدیگرند و هدفشان پایان بخشیدن به روابط نابرابر موجود با مراکز سرمایه داری است. راه آنها برقراری همکاری و دیالوگ بین المللی در چهارچوب سیستم سازمان ملل متحد است که بحقیقه کشورهای غیرمتعهد درآینده امکاناتی برای حل مسائل اقتصادی و اجتماعی که با آنها روبرو هستند فراهم میآورد.

بطور نمونه مشی که در جهت وضع مقررات و نظم تازه در اقتصاد بین المللی است و بیش از ده سال است مصرانه راه خود را هموار میکند در دیدار دهللی در سال ۱۹۸۳ هم مورد تأیید قرار گرفت. بلافاصله پس از آن دیدار اجلاس مشورتی وزرائی که نماینده چهار گروه منطقه ای جنبش عدم تعهد از آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و اروپا بودند در پایتخت هند و ستان برگزار شد. شرکت کنندگان در آن کشورهای عده سرمایه داری را به برداشتن گامهای متقابل در جهت برقراری نظم اقتصادی تازه فراخواندند. برای دست یافتن به پیشرفت معینی در امر "مذاکرات به مقیاس جهانی" دربار مسائل مربوط به انرژی، مواد خام، بازرگانی و اختیارات که مبتکر انجام آنها ششمین کنفرانس عدم تعهد درهاوانا

در سال ۱۹۷۹ بود. نمایندگان ویژه جنبش عدم تمهید به پایتخت های کشورهای سرمایه داری اعزام شدند. هدف دیگر هم تأثیر در مواضع هفت کشور عمده سرمایه داری بود که در شهر ویلیامسبرگ آمریکا در سال ۱۹۸۳ اجلاسیه نهتی خود را تشکیل داده بودند. ولی این بار هم در باصطلاح "دیالوگ شمال - جنوب" که سالها است راکد و بی نتیجه مانده پیشرفتی حاصل نشد. کشورهای سرمایه داری از کوشش های طرفداران دگرسازی روابط اقتصادی بین المللی با سکوتی متفرغانه استقبال کردند.

ابتکارات مجمع دهللی بنظر فراخواندن کنفرانس بین المللی ارزی - مالی هم که در سال گذشته مطرح شد با ایستروکسپون آشکار روبرو گردید. واقمعیات براین گواهی میدهند که در دیدارهای سالانه لیدران کشورهای عمده سرمایه داری آنچه تعیین کننده و راهنما است نظر واشنگتن میباشد و چنانکه میدانیم یکی از خصایص آن برخوردی با بی اعتنائی و خصومت کامل بهرگونه ابتکاری از جانب کشورهای "دنیای سوم" است. در نتیجه به مجموعه مسائل مربوط به وضع رقت بار کشورهای در حال رشد هرچه کمتر توجه میشود. م. محمد نخست وزیر مالزی ضمن اظهار ناراضی از نتایج دیدار چندی پیش سران هفت کشور عمده سرمایه داری در توکیو و با اشاره آشکار به رئیس جمهوری آمریکا اعلام داشت:

"متأسفانه شخصیت های بسیار قدرتمند همکاری با جنوب و یا توجه به مشکلات آنرا از ما نپندارند (۱)."

جنبش عدم تمهید در پاسخ به سیاست عظمت طلبانه بی اعتنائی به خواستهای قانونی و منافع کشورهای در حال رشد از طرف "ناخداپان" دنیای سرمایه داری بشکل معینی برنامه اقتصادی خود را تصحیح کرد. اکنون کوشش زیادی برای تحقق تأمین خود کفائی جمعی بعمل میآید که از جمله در کنفرانس لوآندا و اجلاسیه آوریل پوروی هم آهنگی در دهللی با ژنرال پانتا دیدار لوآندا با قید یک سلسله دست آوردها در امر سرو سامان بخشیدن به همکاری های منطقه ای و انواع دیگر همکاریهای کشورهای جنبش عدم تمهید وظایف تازه ای را در تحقق طرح های اقتصادی مشترک فرمول بندی کرد و برنامه عمل در عرصه روابط اقتصادی را بتصویب رسانید. این برنامه نوعی "وزنه ایجاد تعادل" در جریان مذاکرات با کشورهای سرمایه داری بشمار میآید. در عین حال جنبش عدم تمهید بر این عقیده است که راه حل شریک شدن مسائل کونی اقتصاد جهانی فقط از راه کوشش مشترک تمام کشورها میتواند بدست آید.

موضع گروهی از کشورهای غیرتمهید در مسائل مربوط به وام خارجی توجه را بخود جلب میکند. بطوریکه معلوم است در آغاز سال ۱۹۸۵ ف. کاسترو نخست وزیر کوبا پیشنهادی را مطرح کرد که طبق آن مسئله لغو وامهای کشورهای آمریکای لاتین یا قطع پرداخت آنها باید مورد بررسی قرار گیرد.

این ابتکار بیماریزه علیه استثمار امپریالیستی کشورهای در حال رشد تحریک تازه ای بخشید و به گسترش مذاکرات درباره مسائل مربوط به رهائی از یوغ وامها در جنبش عدم تمهید پاری رسانید.

قطعهنامه ویژه ای که در مجمع لوآندا تصویب شد ضمن قبول تعهدات مربوط به پرداخت وامها در عین حال بر خصلت "غیرقابل تحمل" این تعهدات مالی تأکید میورزد و از لزوم دیالوگ سخن میماند. میآورد که هدف حل و فصل عادلانه و دراز مدت بحران ناشی از وامهای خارجی باشد. به کشورهای نواستقلال از جمله پیشنهاد میکنند خواستار محدودیت پرداخت های ویژه خدمات مربوط به وام خارجی شوند و این پرداخت ها را متناسب با درآمدهای صادراتی کنند که در راه پیشرفت اقتصادی و ارضای نیازهای اجتماعی و اقتصادی هر یک از کشورهای غیرتمهید مصرف میرسد. در شرایطی که کونی که مکانیسم پرداخت وام و تیرنگ و دیسه و خود کامگی در کار حسابهای بانکی و سپرده ها اینجا و آنجا به سرازیر شدن ذخایر موجود به مراکز سرمایه داری من انجامد، هنگامیکه مبادلات ناموزون غیر متعادل و استفاده گسترده از شیوه های تبعیض در بازرگانی غارت کشورهای آزاد را تشدید میکند. پرداخت وام عملاً غیرممکن میشود. ضرورت یافتن راه حل های جدی و مهم و اتخاذ تصمیمات بسزیه مقدم بر همه در عرصه دگرسازی مناسبات اقتصادی بین المللی بر پایه ای عادلانه و دموکراتیک و برقراری نظم تازه در اقتصاد بین المللی (که کشورهای غیرتمهید و متحدین آنها در دنیای سوسیالیستی همواره روی آنها اصرار میورزند) هم از همینجا ناشی میشود.

مجمع دهللی در اعلامیه اقتصادی خود چنان برخوردی به مذاکرات مربوط به مسائل اقتصادی جهانی را نوکدا حائز اهمیت دانست که بر پایه "نظریه تازه امنیت بین المللی" استوار باشد. صحبت بر سر پذیرش منافع مشترک تمام خلقها و کشورها در ترقی اقتصادی بود. بطوریکه تجربه نشان داد درد روان گذشته جنبش ناگزیر در موارد بسیاری با برخوردی کاملاً مغایر با این یعنی با برخوردی امپریالیستی سرو کار پیدا میکند. اینجا و آنجا امنیت اقتصادی اعضای آن بخطر من افتاد. ابتدا نیکاراگوئه پس از آن لیبی در معرض جنگ اقتصادی ایالات متحده آمریکا قرار گرفتند. از تحریم بازرگانی و مجازاتهای دیگر بارها علیه بسیاری از کشورهای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین استفاده شد و بهمین سبب نگرانی عمیق این مجمع جهانی از وضعی که پدید آمده قانونمندان است. شایان توجه است که کشورهای غیرتمهید و سوسیالیستی در مورد این مسائل معمولاً با هم اقدام میکنند. بطور مثال همین چندین پیش اتحاد شوروی و آنگولا خواستار فراخواندن کنگره جهانی ویژه مسائل امنیت اقتصادی در آبنسده شدند تا در آن بحث و مذاکره درباره مجموعه عواملی بعمل آید که مانع و مزاحم روابط اقتصادی جهانی میشوند. هر دو طرف باید یگر بر ضرورت مهم حل و فصل عادلانه مسائل وام خارجی کشورهای در حال رشد که زائیده سیاست نواستعمار است تأکید ورزیدند.

باتوجه کافی براهی که از دهل تا هزاره طی شده بروشنی میتوان مشاهده کرد که فعالیت های ضد امپریالیستی جنبش عدم تعهد و دفاع آن از صلح همانند دوره های گذشته در مسیر مبارزه مشترک نیروهای مترقی و دموکراتیک سیاره ما انجام میگردد. احزاب کمونیست و کارگری سهم کشورهای غیرمتعهد در این مبارزه ابتکارات صلح و سایر ابتکارات بسیار و پراهمیت آنها و نقش جنبش عدم تعهد بمنزله عامل مستقل جهانی در سیستم مناسبات بین المللی معاصر را مثبت ارزیابی میکنند.

برخورد اصولی به مسئله استعمارزدایی و دفاع از منافع و حقوق و حق حاکمیت کشورهای نواستقلال از طرف جنبش عدم تعهد و دفاع از هدفهای ایجاد نظم تازه در اقتصاد بین المللی، عزم واضح این کشورها در مهار کردن مسابقه تسلیحاتی و در درجه اول در عرصه تسلیحات هسته ای همه پدیده هائی هستند که نه فقط برای کمونیست ها و سایر نیروهای مترقی قابل درک است بلکه بلاواسطه بسا خواستها و تمایلات آنها مطابقت میکنند.

اینک چند دهه است که احزاب برادر بدست در راه صلح، امنیت و استقلال واقعی خلقها مبارزه میکنند. این کمونیست ها هستند که از محافل حاکمه کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین میخواهند که قرارهای ضد امپریالیستی و ضد نواستعمار کشورهای غیرمتعهد در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بطور شریکانه مرحله اجرا درآورده و بدانها مضمون واقعی بدهند. در مرحله تساهله فعالیت جنبش که با هشتمین کنفرانس آن در سطح عالی آغاز میگردد و همکاری نیروهای مترقی و دموکراتیک و خلقها و دولتهائی که آماده دفاع از آینده صلح آمیز جامعه بشری و آرمانهای آزادی و دموکراسی میباشند، اهمیت بیشتری کسب میکند.

بگذار مرگ ما

پیروزی را نزدیک تر کند

نزدیک به نیم قرن پیش دکتر تقی ارانی شخصیت برجسته جنبش کمونیستی ایران در جریان محاکمه خود و یارانش (۳ نفر) خطاب به دادستان پرسید: "چرا شما اینقدر از کلمه رنجبر می ترسید؟" این سخنان ارانی که در زندان رضاشاه بدست دشمنان بقتل رسید هنوز هم بقوت خود باقی است. تصادفی نیست که عنوان یکی از انتشارات حزب توده ایران کتاب "چرا امپریالیسم و ارتجاع از حزب توده ایران وحشت دارند؟" به آن نزدیک و شبیه است.

چنانکه میدانیم تعداد بیشماری از اعضای حزب توده ایران بدست دشمنان شاه و پسا آدمکشان جمهوری اسلامی بهلاکت رسیده اند. کتابی که نام بردیم براساس بخش هائی از سخنان این مبارزان قهرمان که در دفاع از خود در دادگاه برزبان رانده اند و با پامهائی که پیش از اجرای حکم اعدام برای رفقا، مادران، همسران و فرزندان خود فرستاده اند تهیه و تدوین شده است. این مجموعه براج مستند که برای نخستین بار در یکجا گردآمده در واقع شرح و تاریخچه مختصر دلاوریها، قهرمانیها و پایداری استوار اعضای حزب توده ایران است. درین حال باید گفت فصلهای مختلف این مجموعه هم با زندگی و سرنوشت مردم ایران ارتباطی ناگسستی دارند.

از مندرجات کتاب بخواهی دیده میشود که چگونه حزب طی تمام دوران موجودیت خود در راه منافع زحمتکشان، استقلال، دموکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه کرده و بطور خستگی ناپذیر در سایش ارتجاع داخلی و خارجی را فاش و برملا ساخته است. در کتاب قید شده است که تضییق و فشار مداوم علیه حزب توده ایران را فقط با ترس و وحشت و کینه ای که حزب در دشمنان سوگند خورده مردم ایران برمی انگیزد میتوان تشریح نمود، زیرا اینان حزب توده ایران را مانع عسده در راه تحقق نیات جنایت آمیز خود بشمار می آورند. این اندیشه در کتاب با فاکت های مشخصی تأیید شده است. بطور مثال در سال ۱۹۸۰ بصراحت هشدار میداد که به حاکمیت رسیدن چپ ها در ایران خطر بزرگی برای ایالات متحده آمریکا و دوستانش می بود (رجوع کنید به صفحه ۴۷ کتاب).

در این اثر خاطرنشان شده است که نخستین موج تضییق و فشار در سال ۱۳۲۵ یعنی پنج سال پس از تأسیس بمبوی حزب توده ایران بحرکت درآمد. در آنتهنگام در نقاط مختلف کشور سازمانهای حزبی را از هم پاشیدند و هزاران کمونیست را به پشت میله های زندان فرستادند که بسیاری از آنها در زندان بهلاکت رسیدند. سرهنگ غلامرضا جاویدان یکی از آنان بود. او با فرور و سربلندی پیش از اعدام گفت: "امروز شما صدای مرا خاموش میکنند اما در هر گوشه جهان صدای مردمی که در راه آزادی خود مبارزه میکنند پیوسته رساتر میشود." (صفحه ۸ کتاب). يك نمونه دیگر: شش ماه در عیمان فریدون ابراهیمی را تحت سخت ترین شکنجه ها قرار دادند شاید او را مجبور کنند ابراز پشیمانی نماید و با حزب توده ایران قطع ارتباط کند. او در پاسخ آنها پیش از اعدام گفت: "من بهترین سالهای عمرم را در راه آزادی و سعادت زحمتکشان آذربایجان و ایران صرف نموده ام... و براه مبارزه مقدسی که در پیش گرفته ام افتخار میکنم" (صفحه ۷ کتاب).

برغم تضییق و پیگرد شدید حزب موفق شد با پشتیبانی توده ها طی مدت فوق العاده کوتاهی صفوف و ساختار خود را احیا کند و با نیروی تازه ای بفعالیت بپردازد. طی در سال ۱۳۲۷ ضربه تازه ای بر آن وارد ساختند. دولت با استفاده از سوء قصد تحریک آمیزی که علیه شاه صورت گرفت حزب را غیر قانونی اعلام کرد. بازداشت رهبران و اعضای حزب آغاز شد. چند سال بعد خسرو روزه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران که نمونه درخشانی از قهرمانی از خود نشان داده است در دادگاه گفت: "حزب ما حزب استعمار شکن و مدافع استقلال و تمامیت ارضی خاک کشور است. مقاصد اجتماعی حزب ما هم از منبع بشر دوستی و احترام به انسانیت و خدمت به مردم آب میخورد. ما میخواهیم برای همیشه به استعمار انسان از انسان که مادر همه مفاسد اجتماعی است خاتمه بدهیم" (صفحه ۷). خسرو روزه را هم سیمانه بقتل رساندند.

بظوریکه در کتاب "چرا امپریالیسم و ارتجاع از حزب توده ایران وحشت دارند" تأکید میشود، ارتجاع این بار هم موفق نشد به نیت شوم خود جامه عمل بپوشاند و حزب توده ایران را نابود سازد. حزب توانست سازمانها و نفوذ خود را میان مردم حفظ کند. حزب توده ایران در آغاز سالهای ۳۰ در جنبش نیرومند ضد امپریالیستی که موجب فرار شاه و تحکیم مواضع دولت طی دکتر مصدق گردید نقش قابل توجهی ایفا کرد. طی دوران تنفس زیاد طول نکشیدند. در مرداد ماه سال ۱۳۳۲ سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی غرب و در درجه اول سیا بکک محافل سلطنت طلب و ارتشیان ایران کودتایی را تدارک دیدند که بلافاصله پس از آن موج ترور سراسر کشور را فراگرفت. این دوران تاریک در کتاب بطور مبسوطی تشریح شده است. در این شرح و تفسیر از جمله گفته شده است ارتجاع برای توجیه این تضییق و فشار حزب را به خرابکاری و

گردآوری اطلاعات برای اتحاد شوروی متهم میساخت. بد ستاویز این اتهامات جعلی هزاران تن از توده ایها زندانی شدند و در سلولهای زندان تحت شکنجه قرار گرفتند.

هیئت حاکمه کونی ایران هم موهومات مربوط به جاسوسی و خرابکاری از طرف حزب توده ایران را برای تشدید هیستری ضد شوروی و تعقیب کمونیست ها و سایر میهن پرستان دستاویز خود قرار داده است. صفحاتی که در آنها شکنجه زندانیان برای گرفتن "اعتراف" و یا شیوههای رذیلتانه تضعیف روحیه و ترساندن آنان مشروحاً بیان شده بطور وحشتناکی خواننده را تحت تأثیر قرار میدهد. ولی تمام شیوه های غیر انسانی زجر و شکنجه اراده هوشنگ مطاران این عضو ساده حزب توده ایران را درهم نشکست. او را با وجود سهم بزرگی که در دفاع از انقلاب ۱۹۷۹ در برابر توطئه های امپریالیستی داشت بزدان افکندند. او ضمن آخرین دفاع خود در جلسه دادگاهی که هرگز محکومش کرده بودند گفت: "من اتهام جاسوسی و اقدام علیه امنیت کفشیرو براندازی را قبول ندارم... من از تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ که در جمهوری اسلامی مسئولیت پذیرفتم تا روز دستگیریم برای حفظ نظام جنگیدم...". (صفحات ۳۵ - ۳۳).

اگر چه در کتاب از واقعات تلخ و جانگدازی پرده برداشته شده، مضمون آن نومیدکننده و یأس انگیز نیست. "مرگ من، مرگ ما، خود آن زندگیمست که پرچم آزادی زحمتکشان را بر ساق جهان می افروزد". "فصه نخورد من برای زندگی مردم میمیرم". "درود بر حزب توده ایران، مرگ بر امپریالیسم، زنده باد انقلاب مردم محروم ایران!". اینها سخنانی بودند که رفقای بر زمین ما حجت ذوالفقاری، سرهنگ دوم کاظم جمشیدی و حسن آذرفر در واپسین دم زندگی خود بیان کردند (صفحه ۹). رفیق بابک صادقی که ۲ فروردین ۱۳۶۱ بشهادت رسید، در وصیت نامه خود خطاب به همسرش نوشت: " عزیزم به فرزندمان بگو که پدرش چه کسی بوده و درجه راهسی مرد. او باید راهمان را که همانا راه استقلال و آزادی ایران، راه حزب توده ایران میباشد ادامه دهد" (صفحه ۱۰). این سطور که بخشی از سخنان مندرجات نامه ها و وصیت نامه ها توده ایهاست سرشار از روح امید و خوش بینی است. آنها سخنان کسانی هستند که از لحاظ سن و سال، در درجه تحصیلات و وضع اجتماعی بسیار متفاوتند ولی وفاداری به امر حزب و اعتماد تزلزل ناپذیر به آینده روشن مردم آنها را متحد ساخته است.

میهن رنجیده ما اکنون دوران بسیار دشواری را میگذراند. تاریک اندیشان حاکم بر ایران بر پایه کین و نفرت مشترک و ترس از نیروهای صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی هرچه بیشتر به امپریالیسم و یوزده امپریالیسم آمریکا نزدیک میشوند. بنابراین اطلاعیه مندرج در روزنامه مردم ارگان مرکزی کمیته مرکزی حزب توده ایران طی مدت بسیار کوتاه از مهرماه ۱۳۶۴ تا

فروردین سال جاری درها تن از فعالین حزب و از جمله دو نفر از اعضای کمیته مرکزی بدست دروغیان خمینی بقتل رسیده اند .

کمیونیت ها در شرایط بسیار سخت کار مخفی به مبارزه قهرمانانه خود ادامه میدهند . احساسات و روحیه آنان را آخرین سطور کتاب " چرا امپریالیسم و ارتجاع از حزب توده ایسران وحشت دارند ؟ " بخوبی نشان میدهد . در آنجا چنین میخوانیم : " رگبار مسلسل میتواند انسانها را درو کند و پنجه شوم شکنجه گران میتواند انسانها را نابود سازد ، اما هیچ چیز موج حمله بر دژ آهنین حاکمان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و امپریالیسم را نمیتواند متوقف سازد . زیرا اندیشه را نمیتوان کشت . بذری که حزب ما در جامعه پراکنده ، با وجود سبزه پخش در مشافه از هم اکنون به ثمر نشسته است " (صفحه ۹۱) .

مهران بهنا
روزنامه نگار ایرانی

خبرهای کوتاه

بنگلادش

حزب کمیونیت بنگلادش با بدست آوردن پنج کرسی نمایندگی در انتخابات پارلمانی که در ماه مه سال جاری برگزار شد ، برای نخستین بار در تاریخ نمایندگان خود را به ارگان عالی قانون گذاری کشور فرستاد . اکثریت آراء را در این انتخابات حزب ملی طرفدار دولت بدست آورد .

جمهوری خلق چین

کارهای مقداتی چاپ و انتشار مجموعه آثار ک . مارکس و ف . انگلس بزبان چینی و در ۵۰ جلد که سی سال بطول انجامید به پایان رسید . این ترجمه براساس چاپ دوم آثار ک . مارکس و ف . انگلس بزبان روس صورت گرفته است که بموقع خود از طرف دانشگاه مارکسیسم - لنینیسم وابسته به کمیته مرکزی حزب کمیونیت اتحاد شوروی برپایه نخستین چاپهای آثار آنان بزبان آلمانی ترجمه و منتشر شده بود .

آرژانتین

بنا با اطلاع کمیته مرکزی حزب کمیونیت آرژانتین ، شانزدهمین کنگره این حزب از چهارم تا هفتم نوامبر سال ۱۹۸۶ برگزار میگردد .

سوریه

کنفرانس بین المللی که مجله " النهج " ارگان مرکز پژوهشهای سوسیالیستی کشورهای عربی سازمان داده بود در دمشق برگزار گردید . در کنفرانس مسئله پی آمدهای خطرناکی که تجاوز آمریکا علیه لیبی و تهدید سوریه برای وضع خاور نزدیک حوضه دریای مدیترانه و سراسر جهان دربردارد مورد بحث و بررسی قرار گرفت . در این کنفرانس نمایندگان ۵۴ حزب کمیونیت ، کارگری و مترقی خاور نزدیک و همچنین سایر مناطق شرکت داشتند .

چکسلواکی

نمایندگان حزب کمیونیت چکسلواکی ، حزب سوسیالیست متحد آلمان و حزب سوسیال - دموکرات آلمان در دیداری که در ماه مه ۱۹۸۶ در پراگ صورت گرفت اعلامیه ای را بتصویب رساندند که در آن برسر مسئله ایجاد منطقه فاقد سلاح شیمیایی در اروپا توافق شده است . احزاب نامبرده چنین اقدامی را گام مهم در راه قدغن کردن کامل سلاح شیمیایی بشمار میآورند .

یوگسلاوی

در آغاز سال ۱۹۸۶ اتحاد کمیونیت های یوگسلاوی دو میلیون و صد و هشت هزار نفر کمیونیت را متحد میکرد . در یوگسلاوی بیش از ۷۰ هزار سازمان اولیه اتحاد کمیونیت های یوگسلاوی وجود دارد .

قبرس

بنا با اطلاع کمیته مرکزی حزب مترقی خلق زحمتکین قبرس شانزدهمین کنگره آکل از ۲۶ تا آخر نوامبر سال ۱۹۸۶ برگزار میگردد . در انتخابات شهردارها و مشاوران شهرداری که در ماه مه سال ۱۹۸۶ انجام شد در ۹ شهر از ۱۸ شهر بزرگ قبرس کاندیدهای آکل انتخاب شدند . به تعداد رأی دهندگان بسود نمایندگان حزب در نیکوزیا از ۲۱ تا ۲۵ درصد افزودند و این پدیده بسه کمیونیت ها امکان داد ۲ کرسی از ۲۶ کرسی شهرداری پایتخت را بدست آورند .

مکزیک

در مکزیک جشنواره سالانه حزب سوسیالیست متحد مکزیک زیر شعارهای وحدت عمل و وحدت مردم در مبارزه برای تحکیم حاکمیت ملی برگزار شد . برحسب ستن گذشته در این جشن نمایندگان تمام سازمانهای حزبی کشور ، نمایندگان احزاب برادر و روزنامه ها و نمایندگان سازمانهای انقلابی - دموکراتیک تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین شرکت کردند .

مجله 'مسائل بین‌المللی' که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل ثئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' که نشریه ثئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۸۶ مجله 'مسائل صلح و سوسیالیسم' بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and information Journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

بها ۲ مارك واماادل آن

No 7 , B 1986

Price: 2DM or its
equivalent